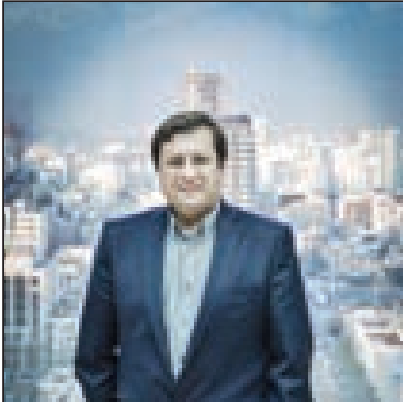


تاکید دکتر همتی بر پرداخت سریع خسارت دانش آموزان هرمزگان را بطور کامل پرداخت

صنعت بیمه کشور خسارت مربوط به حادثه دانش آموزان استان هرمزگان را بطور کامل پرداخت می کند. رئیس کل بیمه مرکزی با بیان مطلب بالادر گفت و گو با خبرنگاران گفت: در این حادثه متأسفانه ۹ نفر جان خود را از دست داده اند که هفت نفر از آنان دانش آموزان عزیز بوده اند و تعداد هشت نفر هم مصدوم شده اند. وی با اشاره به این نکته که به خاطر تالمات روحی بازماندگان حادثه، امکان تشکیل پرونده ممکن نبود، از مدیر عامل و مدیران شرکت بیمه دانا به خاطر سرعت در طی فرایندهای بیمه ای برای پرداخت خسارت تشکر کرد و گفت این شرکت برای تسکین الام بازماندگان مبالغی را به صورت علی الحساب به آنها پرداخت کرده است.



ترمیدوری انقلابیون

آغاز آده

با ابن زبیر شمشیر اسلام نمیرد



شرکت تاپکو

شرکت بازرگانی توسعه انرژی پاد کیش (تاپکو) بنا بر سیاستهای راهبردی شرکت پتروشیمی جم و نیاز صنعت پتروشیمی ایران به یک شرکت مستقل و فعال بازرگانی و بعنوان بازوی تجاری کلیه مجتمعهای پتروشیمی ایران با سرمایه شرکت پتروشیمی جم با موضوع فعالیت در حوزه صادرات محصولات پتروشیمی خرید و فروش مواد شیمیایی و آروماتیک، محصولات نفتی، پلیمری، گاز مایع و کود در بازارهای داخلی و بین المللی، تامین کننده تجهیزات صنعت نفت و گاز و ارائه خدمات لجستیکی در تاریخ ۳۰/۱۲/۱۳۹۳ به شماره ثبت ۱۱۳۶۰ در منطقه آزاد تجاری کیش

تأسیس گردید. مأموریت اصلی شرکت تاپکو تجارت کالا، خدمات بازرگانی در بازارهای بین المللی و داخلی، متمرکز بر محصولات صنعت پتروشیمی، نفت و گاز با ایجاد حلقه اتصال و فصل مشترک بین نیازهای تولید کننده و مصرف کننده ضمن اهتمام به تأمین منافع همه ذینفعان به صورت متوازن در جهت دستیابی به اهداف متعالی اقتصاد مقاومتی. شرکت تاپکو با مالکیت صد درصدی پتروشیمی جم به عنوان عضوی از خانواده بزرگ صنعت نفت و گاز و پتروشیمی ایران می باشد که ضمن انجام صادرات محصولات کلیه مجتمع های صنعت پتروشیمی ایران به ۵ قاره جهان، عاملیت فروش صد در صد محصولات پتروشیمی جم و صادرات پتروشیمی پلی پروپیلن جم با تولید سالانه ۹۰۰ هزار تن محصولات پلیمری، صد هزار تن بوتادین و بوتن را به عهده دارد و مصمم است تا سال ۱۴۰۰ هجری شمسی بین شرکت های برتر عرضه کننده محصولات صنعت پتروشیمی و نفت و گاز در سطح بین المللی قرار گیرد

ارزشهای سازمانی شرکت تاپکو

- ایجاد مزیت رقابتی پایدار به منظور افزایش سهم بازار
- تولید ثروت یا سود آوری برای مصرف کنندگان و تولیدکنندگان
- ایجاد ارزش برای مشتریان

اهداف

ارائه کامل ترین سبد کالایی حوزه بازرگانی محصولات صنعت پتروشیمی، نفت و گاز و همچنین یکپارچه سازی تخصصی فروش محصولات پتروشیمی ها و پالایشگاه های ایران در داخل کشور (بورس کالا) و سطح بین المللی حضور فعال در بازار ۵ قاره با به کارگیری روش های نوین بازاریابی بین الملل جلوگیری از رقابت منفی در توزیع، عرضه و فروش بین المللی به منظور ارتقاء اعتبار برند های تولیدی صنایع پتروشیمی، نفت و گاز ملی کشور ایجاد دفاتر فروش در بازارهای هدف به منظور ایجاد شبکه های توزیع گسترده و موثری کارآمد در کشورهای مختلف جهان با هدف افزایش سهم بازار بالا بردن بهره وری پتروشیمی ها از طریق اجرای روش مدیریت سیستم هماهنگ ساختار یافته فروش دارا بودن بانک اطلاعاتی مشتریان، مصرف کنندگان و خریداران داخلی و بین المللی به منظور تسهیل در خرید و فروش محصولات مدیریت وجوه ارزی در راستای تأمین منابع مالی خرید خارجی تجهیزات مورد نیاز تولیدکنندگان حوزه نفت، گاز و پتروشیمی تأسیس دفاتر بازرگانی در کشور ترکیه و همچنین برنامه ریزی در جهت ایجاد دفاتر فروش در بازارهای هدف ایجاد انبار در بازارهای هدف به منظور تسریع در دستیابی مشتریان به کالا خرید مستقیم و بدون واسطه محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی از منابع ایرانی با هدف صادرات به بازارهای جهانی



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



بانک مردم ایران



چرخش می چرخه

ثبات بازار ارز ضامن رونق تولید و اشتغال

دوران - ثبات ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶

”

عبدالله ابن زبیر صحابی و پسر صحابی است. مادرش اسماء ذات النطاقین دختر ابوبکر بود. از بزرگان قریش و از صحابه پیغمبر، از مدعیان خلافت در زمان بنی امیه و از دشمنان امیرالمومنین علی علیه السلام و ... وی از قبیله بنی اسد و پدرش زبیر بن عوام که از صحابه پیغمبر اسلام بود در سال دوم از هجرت در شهر مدینه متولد شد، او را اولین مولود مسلمان در مدینه می دانند. پدربزرگش (مادری): ابوبکر، خلیفه اول، خاله اش: عایشه (دختر ابوبکر)، مادر بزرگ (پدري اش): صفیه دختر عبدالمطلب



نقش سیاسی عبدا... در زمان عثمان

عبدالله از کسانی است که در اغلب حوادث دورهٔ خلافت عثمان بن عفان حضور داشته و از جمله افرادی است که از جانب عثمان مأمور به نسخه برداری از قرآن شد و در فتح آفریقا شرکت داشت. و در جنگهای سال ۳۰ هـ ق در فتح طبرستان و ایران شمالیهمراه «سعید بن عاص» بود. وی در جریان محاصرهٔ خانه عثمان همراه فرزندان علی (ع) یعنی امام حسن و امام حسین (ع) و محمدبن طلحه و گروهی از بنی هاشم مانع تعرض شورشیان به عثمان شد.

دشمنی با امیر المؤمنین (ع) و اهل بیت

دشمن سختی برای علی علیه السلام بود و نسبت به آن حضرت جسارت و اسائه ادب می نمود. در سخنرانی اش، به آن حضرت دشنام می داد و او را با جملات رکیک خطاب می کرد. البته علی بن ابیطالب علیه السلام در همان جنگ او را اسیر کرد ولی او را آزاد کرد و فرمود: از اینجا برو تا ترا نبینم. او در دورانی که خود را خلیفه مسلمین می خواند، چهل جمعه صلوات بر پیغمبر و آل او را در خطبه خود نیاورد و می گفت: بدین سبب نمی گویم که کسانی بدین جمله مباحات نکنند مقصودش آل علی علیه السلام بود. روایت دیگری از «سعید بن جبیر» نقل شده که روزی عبدالله بن زبیر، به عبدالله بن عباس گفت: چهل سال است که دشمنی شما اهل بیت پیغمبر را در دل خویش دارم و آن را پنهان می کنم. روایت دیگری است که روزی او، در بالای منبر در خطبه اش به علی علیه السلام

عبدا... در زمان خلافت امیر المؤمنین (ع)

عایشه در منطقه حوآب با پارس کردن سگها بر هودج وی فرمایش پیامبر (ص) را به یاد آورد و خواست از درگیری و رویارویی با علی پرهیز کند، عبدالله به دروغ با آوردن شاهد بر این که این مکان حوآب نیست، مانع از برگشت عایشه شد. او بود که پس از پشیمانی زبیر از ادامه

زبیر طعم ثروت را در دوران خلفای پیش از علی(علیه السلام) چشید اما در قدرت سهیم نبود، در دوره حکومت علی(علیه السلام) چشم به قدرت سیاسی داشت و بسیار مایل بود که در حکومت علی(علیه السلام) به امارت برگزیده شود. چشم داشت او بی ثمر بود و از طرفی پسرش عبدالله آنقدر بزرگ شده بود که او نیز داعیه قدرت طلبی داشت، زبیر با تحریک فرزندش، در خلافتطلبی کرد و با یاری طلحه و سردمداری عایشه و با شعار انتقام خون عثمانبر علیه علی(علیه السلام) شوریدند.

عبدالله پدرش را به جنگ با امیرالمومنین(علیه السلام) واداشت ودر راه بی فرجام قدرت طلبی به کشتن داد. او وقتی دید پدرش زبیربن عوام – تحت تاثیر دیدار و مذاکراتش باامیرالمؤمنین علی(علیه السلام) – قصد کناره گیری از جنگ دارد، با انواع حيله ها سعی کرد تا پدرش را منصرف کند او پدر را سرزنش و به ترس منتهم کرد و جواب شنید که تو چه فرزند نامبارکی هستی! در بازشناسی عبدالله فرمایش حضرت علی (ع) کاملاً گویاست: زبیر همواره با ما اهل بیت بود تا زمانی که پسر نامبارکش، عبدالله پدید آمد.

ابن زبیر در دوره ی امامت حسین ع

ابن زبیر بعد از شهادت حضرت علی (ع) از هر فرصت وسیله ای برای جمع آوری مال و کسب وجهه و مقام استفاده نمود. وی بعد از مرگ معاویه، مخفیانه وارد مکه شد و در آنجا پناه گرفت و با اینکه مخالف یزید بود ولی اقدامی صورت نداد و یا حداقل با امام حسین (ع) جهت مبارزه با دستگاه فسادانگیز امویان همراه نشد و وقتی امام حسین را به ماندن در مکه دعوت می کرد گفت: اگر تو در مکه بمانی من با تو به عنوان خلافت بیعت می کنم. ولی حضرت امام حسین (ع) فرمود: نمی

بعد از شهادت امام حسین تا مرگ

با شهادت امام حسین (ع) ابن زبیر زمینه را برای اجرای اهداف و سیاست های خود فراهم دید و به طمع خلافت مناطق وسیعی را تحت سیطره گرفت از سال ۶۱ هـ. بعد از شهادت امام حسین (ع) و بیعت مردم با پسر زبیر تا سال ۷۲ هـ. وی بر حجاز و عراق و مصر و قسمتی از شرق اسلامی تسلط یافت. در حالی که قلمرو حکومت بنی امیه تنها به شام و بخشی از مناطق دیگر محدود شده بود. لذا از سال ۶۱ تا سال ۷۳ هجری در سرزمینهای اسلامی عملاً دو

ابن زبیر نماینده «ابناء المهاجرین»

وی نماینده گروه «ابناء المهاجرین» بود. آنها دسته ای از صحابه پیغمبر بودند که الگویشان «عمر» بود و با «مویمان» و «علویان» رابطه خوبی نداشتند. شعار سیاسی آنان «شورا» بود. عبدالله بن زبیر می گفت: ما «ابنای طرف خودش جلب کند (هر چند خود

سه بار هتک حرمت خانه ی خدا در زمان او

کرده بود، خانه کعبه را خراب کرد و داخل مسجدالحرام را سنگباران نمود. عبدالله به جهت کج اندیشی و بخل و حسد و حرص زیاد و هوش و ذکاوت و تدبیر کم با مدعیان خلافتش مانند مروانبن، مختار و خوارج مواجه گشت و از طرفی چون هاشمیان و پیروان آنها خلافت و حاکمیت او را به رسمیت قبول نداشتند، نتوانست خلافت طولانی و مستقر داشته باشد.

سال ۶۳ هـ ق در جریان «جنگ حره» که عبدالله از محرکان اصلی این شورش بود، لشگریان یزید به قتل عام مردم مدینه و برای سرکوبی او در مکه پرداختند و مکه را محاصره کردند. وی به خانه کعبه پناه برد و لذا لشگریان یزید، داخل مسجدالحرام و کعبه را سنگباران کردند که در اثر آن قسمتی از کعبه خراب شد و پرده و سقف آن آتش گرفت. مرحله دوم، بعد از مرگ یزیدبن معاویه بود که او (ابن زبیر) مردم را

نگاهی به ریشه های قانونی بروز فساد و آقازادگی

فساد مالی، رفتاری نامشروع، غیرقانونی و ضداجتماعی است که مسیر پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را ناهموار می‌سازد و بعضاً هزینه سنگینی را بر دولت و جامعه وارد می‌کند. اندیشه جداکنسازي ثروت و قدرت، ضعف ساختار اقتصادی، دولتي بودن اقتصاد کشور، پایین بودن حقوق و دستمزد در برابر نرخ تسعیر ارز، سوءاستفاده از مقام و

مدیر ممکن است، با طی کردن مسیر (نردبان) شغلی و بر اساس، دانش، تخصص و تجربه یا ممکن است بر مبنای ارتباطات گروهی، فامیلی، آقازادگی، داد و ستدهای سیاسی به‌صورت یکباره و بدون طی کردن نردبان شغلی، در جایگاه تخصصی منصوب شود. مدیری که اهلیت، صلاحیت و توانمندی لازم را نداشته باشد، احتمال اینکه با سوءاستفاده از منصب خود یا در اثر ناکارآمدی، در جهت منافع شخصی یا خلاف منافع عمومی عمل کند، دور از انتظار نیست. عدم لیاقت و ناکارآمدی مدیر، بستری را فراهم می‌سازد تا بی عدالتی، انحصار و تبعیض، اتلاف سرمایه ملی، حیف ومیل منابع مالی دولت و عدم مسوولیت‌پذیری و در نهایت فساد مالی و شکاف طبقاتی افزایش یابد.



فقر و محرومیت نقش اساسی در شکل گیری فساد دارد. بیکاری و تورم، موجب کاهش رفاه عمومی می‌شود. هرمقدار، رکود اقتصادی، بیکاری و تورم بیشتر شود، بر دهک‌های پایین جامعه افزوده می‌شود. به عبارت دیگر، کیفیت زندگی از دهک‌های متوسط جامعه به سمت دهک‌های پایین جامعه انتقال می‌یابد، این تنزل در زندگی معیشتی، زمینه فقر و محرومیت و فساد را فراهم می‌سازد. پیامبراکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: فقر انسان را به کفر می‌کشاند و فقر از هر دری وارد شود، ایمان از در دیگر خارج می‌شود. حضرت علی (ع) نیز در باره فقر می‌فرماید:

فقر باعث از دست رفتن دین انسان و مشوش ساختن اندیشه و معنویت او می‌شود، بنابراین بین فقر و فساد رابطه و همبستگی وجود دارد. برای کنترل فساد مالی از ابزارهای مختلفی می‌توان استفاده کرد. سه ابزار اصلی کنترل فساد مالی شامل: استقرار نظام شایسته‌سالاری، تقویت زیرساخت‌های عمومی و شفافیت و قاطعیت قانون است. با انتخاب مدیران لایق، شایسته و کارآمد می‌توان الگویی هوشمند، سازمانی نظام مند و سیستم‌های منطقی را طرح‌ریزی و اجرا کرد. با استقرار نظام شایسته‌سالاری می‌توان از ظرفیت‌ها و امکانات موجود

به‌صورت بهینه استفاده کرد، فضای کسب و کار و کیفیت زندگی را رونق داد و کنترل بیکاری و تورم بیشتر شود، بر دهک‌های پایین جامعه افزوده می‌شود. به عمل آورد. روشن است، برای تحقق برنامه‌ها نیاز به تخصص، تجربه، مهارت، تعهد، وجدان کاری و مسوولیت‌پذیری مدیران است. یکی از ابزارهای پیشگیری از فساد، تقویت زیرساخت‌های عمومی و اجتماعی است. هر قدر، زیرساخت‌های عمومی و اجتماعی مانند: فضای کسب و کار، شبکه‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، سیستم‌های نظارت و ارزیابی، نظام کنترل کیفیت، شبکه توزیع کالا و خدمات و شبکه نظام یکپارچه اداری و مالی بیشتر تقویت شود، در این صورت، سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند و ظرفیت‌های بلااستفاده در کشور بیشتر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، همچنین در مصرف مواد و انرژی صرفه‌جویی بیشتری شده و می‌توان، فرهنگ کارآفرینی را گسترش داد و زمان صدور مجوزات و زمان ساخت و تولید را کوتاه کرد و نظارت و کنترل‌های لازم را به موقع انجام داد. گنجاندن چند مضمون در یک ماده قانونی و برداشت‌های متعدد از یک ماده قانونی، موجب خدشه دار شدن شفافیت قانون می‌شود. مفاهیم و جملات کلی و غیرحقوقی در مواد قانونی از قبیل: «جازه داده می‌شود»، «شایسته است»، «مجاز است» و «می‌تواند»، کلماتی هستند که با اختیار همراه است و التزام به انجام آن وجود ندارد و با قاطعیت قانون، سازگاری ندارد. قانونی که با سبک و سیاق قواعد حقوقی سازگار نباشد، نمی‌تواند از استحکام و اعتبار لازم برخوردار باشد. کلمات و اصطلاحاتی مانند: «دسترسی مناسب»، «بهره‌برداری بهینه»، «سازوکارهای لازم» و «بهبود وضعیت» در متن قانون، تفسیرپذیرند و با اصل شفافیت و قاطعیت قانون همخوانی ندارند. بنابراین در صورتی می‌توان فساد مالی را پیشگیری و کنترل کرد که قوانین شفاف و قاطع وضع شوند و سودمندی اجتماعی داشته باشند.

به دلیل «ژن برتر»اش پله های ترقی را طی کرده است. این سخنان او موج عظیم انتقادی در جامعه به راه انداخت. موجی که به نقد پدیده «آزادگی» و «انتخواری» می پردازد.

انتصاب سید احمد عراقچی برادر زاده عباس عراقچی به سمت معاونت ارزی بانک مرکزی از سوی ولی الله سیف نیز مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است. سید علی

افشای **های تازه نشان می دهد «جوانگرایی» جدید تا حدودی آلوده به رانت شده است. گویی که مدیران کشور دونده های دو امدادی هستند اکنون که پا به سن گذاشته اند و توانشان پایان یافته چوب را به فرزندان و خویشاوندانشان می دهند تا راه را ادامه دهند.**
مردم در شبکه های اجتماعی از یکدیگر می خواهند در مناطق سکونت خود اگر خبری از این دست انتصابات دارند با هشتگ «ژن خوب» منتشر کنند تا اطلاع رسانی عمومی پیدا کند. در میانه این افشگری ها داستان آقازاده های قدیمی و پست های که به آنها تقدیم شده است نیز مرور می شود.

— 373 —

نمایندگانی که فرزندانشان جنجال آفریدند

پسر محمد علی وکیلی نیز عضو غیرموظف شرکت «دوده صنعتی پارس» بوده است. پس از حاشیه ها بر سر خانواده وکیلی، افکار عمومی حساسیت خود را بر انتصاب ها جدید نشان داد. در این راستا افشاری های تازه ای رخ داد.

در ادامه پای پسر محمود بهمنی هم به افشگری ها باز شد. امیر بهمنی چندی پیش از سوی شورای شهر هشتگرد به عنوان شهردار منصوب شد. محمود بهمنی نماینده ساوجبلاغ است او در دولت احمدی نژاد رییس کل بانک مرکزی بود. کاربران فضای مجازی افشاری دیگری انجام دادند و از انتخاب فرشاد عباسی فرزند جوان معاون استاندار اردبیل، اقبال عباسی به عنوان شهردار گیوی خبر دادند. براساس گزارش ها فرشاد عباسی ۲۷ ساله است که این مسئله شگفتی کاربران فضای مجازی را در پی داشت.

بحث بر سر انتصاب فرزند مهرداد لاهوتی نماینده لنگرود به عنوان شهردار چمخاله نیز واکنش های فراوانی برانگیخت.

انتقادات آقدر بالا گرفت که لاهوتی در این باره گفت: پسر من با مدرک کارشناسی ارشد عمران ۱۵ سال است که کارمند مسکن و شهرسازی استان گیلان است و اخیرا به عنوان گزینه پیشنهادی یکی از شهرداری‌های کوچک در منطقه انتخاب شده بود البته وقتی با من مشورت کردند، گفتم او استعداد دارد شهردار یک شهر بزرگ باشد ولی چون حوزه انتخابیه من در این منطقه است با این کار مخالفم. بر این اساس کاندیداتوری وی منتفی شد.

احمد عراقچی، معاون ارزی بانک مرکزی

رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، یکی از فرزندان علی سعیدلو را مسئول و ذی‌نفع در ماجرای قرارداد بلیت فروشی مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران معرفی کردند.

اما درباره ژن های برتر جدید، مردم در شبکه های اجتماعی به اعتراض به وضعیت مصطفی موسوی لاری فرزند عبدالواحد موسوی لاری از چهره های شاخص اصلاح طلب و وزیر کشور دولت اصلاحات پرداختند. او رییس هیات مدیره شرکت سولیران است، که تولید کننده سازه های فلزی است.حضور فرزند محسن رضایی در معاونت پژوهش و اطلاع رسانی دبیر خانه مجمع تشخیص نیز حاشیه ساز شد و مردم او را نیز یکی از مصادیق ژن خوب دانستند

محمد مهدی صادق، مدیرعامل سداد

نیز به عنوان مدیرکل امور بین الملل در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، ایدرو فعالیت می کند. او نیز برادر زاده عباس عراقچی است. علی عراقچی در مذاکرات هسته ای در ژنو تبدیل به یکی از حاشیه های مذاکرات شده بود.

این ها مواردی از افشگری درباره پست های آقازاده های جوان در روزهای اخیر بوده است. جنبشی که به نظر می رسد به راحتی متوقف نخواهد شد و احتمالا در روزهای آینده نیز ادامه خواهد داشت. باید دید جنبش مبارزه با «آقازادگی» در آینده به کجا ختم خواهد شد.

فرزند شهردار سابق، معلمی با مدارس زنجیره ای

که سکانداری شان در دست پسر شهردار سابق بود. البته ناگفته نماند که به روایت خبرآنلاین در کنار این فعالیت رسانه ای، الیاس با موسسه مهر هشتم در بلوار سعادت آباد و ایجاد مدرسه های زنجیره ای، طبق گفته پدرش مشغول فعالیت فرهنگی است.



شبکه‌های اجتماعی

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

ای از انتقال قدرت در ساختارهای دولتی و حکومتی آغاز شده است. پوست اندازی که با حاشیه های فراوانی روبه رو شده است و مفهوم سازی تازه ای در این باره صورت گرفته است. «ژن خوب» مفهوم تازه ای است که در هفته های اخیر موزای با مفهوم «آقازادگی» در افکار عمومی مطرح می شود.

پس از تشکیل دولت و تغییر اعضای

— 373 —

افشای **های تازه نشان می دهد «جوانگرایی» جدید تا حدودی آلوده به رانت شده است. گویی که مدیران کشور دونده های دو امدادی هستند اکنون که پا به سن گذاشته اند و توانشان پایان یافته چوب را به فرزندان و خویشاوندانشان می دهند تا راه را ادامه دهند.**
مردم در شبکه های اجتماعی از یکدیگر می خواهند در مناطق سکونت خود اگر خبری از این دست انتصابات دارند با هشتگ «ژن خوب» منتشر کنند تا اطلاع رسانی عمومی پیدا کند. در میانه این افشگری ها داستان آقازاده های قدیمی و پست های که به آنها تقدیم شده است نیز مرور می شود.

افشای **های تازه نشان می دهد «جوانگرایی» جدید تا حدودی آلوده به رانت شده است. گویی که مدیران کشور دونده های دو امدادی هستند اکنون که پا به سن گذاشته اند و توانشان پایان یافته چوب را به فرزندان و خویشاوندانشان می دهند تا راه را ادامه دهند.**
مردم در شبکه های اجتماعی از یکدیگر می خواهند در مناطق سکونت خود اگر خبری از این دست انتصابات دارند با هشتگ «ژن خوب» منتشر کنند تا اطلاع رسانی عمومی پیدا کند. در میانه این افشگری ها داستان آقازاده های قدیمی و پست های که به آنها تقدیم شده است نیز مرور می شود.

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

میشم مظفر فرزند حسین مظفر نماینده پیشین مجلس و از مدیران ستاد قالیباف

میشم مظفر تا همین چند هفته پیش مدیرعامل تاکسیرانی تهران بود. حسین مظفر در برابر انتقادهایی که به حضور پسرش در تاکسیرانی شده بود گفته بود: میثم ما قبل از این معاون سازمان فرهنگی هنری شهرداری بود و قبل از آن هم قائم مقام شهردار بود و حتی قبل از آن نیز پست هایی داشته که وزرای ما آن را نداشتند. اتفاقا میثم ما به جرم مظفر بودن از مناصب بالا محروم

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

دو ماه پس از یک مصاحبه جنجالی فضای مجازی و شبکه های اجتماعی هنوز تحت تاثیر اخباری است که هر از چندگاهی بسا عنوان ژن خوب منتشر می شود. حمیدرضا عارف، پسر حمیدرضا عارف، در گفت‌وگو با برنامه «خیلی محرمانه» سایت ویدئوگرام، ضمن رد اتهام‌ها درباره استفاده از رانت پدرش گفته که توانایی‌هایش به دلیل «ژن» و «خون خوب» پدر و مادرش بوده است.

— 373 —

آقازاده عارف، معامله بزرگ خود با شرکت MTN در سن ۲۴ سالگی را که همزمان با تصدی پست‌های وزارت ارتباطات و معاون‌اولی سیدمحمد خاتمی توسط پدرش بوده است، ناشی از ژن خوب پدر و مادرش اعلام کرده و مدعی شده : من اگر پسر آقای دکتر عارف نبودم شاید فضای حرکتی‌ام خیلی بالاتر می‌رفت.

این اظهارات که هم‌اینک دست به دست در حال چرخیدن است، واکنش‌های اجتماعی فراوان و البته قابل تأملی را در سطح جامعه برانگیخته. اظهاراتی که حالا از شبکه‌های اجتماعی به سایت‌ها و خبرگزاری‌ها نیز راه یافته و ناقل آن

را حسایی بر سر زبان‌ها انداخته است.

اما فارغ از صحت این گفته‌ها این ذهنیت در جامعه شکل گرفته که اگر حمیدرضا عارف به لحاظ اجتماعی و سیاسی

در چنین موقعیتی قرار نداشت، امروز به همینجا رسیده بود؟ با تأسف باید گفت هرچند بخش‌های محدودی از جامعه پدیده آقازادگی را تا حد زیادی هضم کرده و به همزیستی مسالمت‌آمیز با آن رسیده‌اند، اما این اظهارات از جنس ژن و نژاد داستان دیگری است و ابعاد جدیدی به ماجرا می‌دهد. پرسش مردم امروز این است که بر چه اساسی کمک‌هزینه اوقات فراغت برخی‌ها از صندوق توسعه ملی به حساب پدران‌شان واریز می‌شود؟ یا آنکه چگونه یک شهروند نه‌چندان عادی از فشار بیکاری به واردات چندصد میلیونی پوشاک روی می‌آورد؟

گذشته از اینها به نظر می‌رسد این روزها ظاهرا نوعی نظام طبقاتی ژن‌محور در حال شکل‌گیری است. بر این اساس برای برخی، صرفا به جرم قربانی آسیب‌های اجتماعی بودن حکم به انقطاع نسل صادر می‌شود و برخی دیگر به توهم بهره بردن از ژن برتر به وادی خودستایی افتاده و موقعیت خود را به پای خون و نژادشان می‌نویسند. یک روز فلان مسئول در واکنش به پدیده گورخوب‌ها از لزوم عقیم کردن زنان خیابانی می‌گوید و روز دیگر خان‌زاده‌ها که سواری بر کرده امکانات و اطلاعات و رانت‌ها و ارتباطات، دیگر ارضای‌شان نمی‌کند، به تئوری‌پردازی این حق مسلم ژنتیکی‌شان می‌پردازند.

دهم‌های چرکین زخم‌های پدیده آقازادگی بر تن جامعه حالا بار دیگر سر باز کرده، به‌گونه‌ای که از فعالان اجتماعی و سیاسی گرفته تا مردم عادی، فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی به این موضوع واکنش نشان داده‌اند. نگاهی گذرا به شبکه‌های اجتماعی گویای همین واقعیت است. به بیان دقیق‌تر پست‌های منتشرشده توسط کاربران و تصاویر پروفایل‌ها به خوبی گواه آن است که عکس‌العمل‌ها ریشه در نوعی مطالبه اجتماعی داشته و به هیچ روی نمی‌توان به اتهام هجمه سیاسی فلان جریان و فلان گروه، از کنار آنها به سادگی گذشت.

عبدا... رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات در این خصوص توییت کرد: همه حق داریم اشتباه کنیم اما وقتی اشتباه کردیم دیگران حق دارند بی‌رحمانه ما را نقد کنند.

حسین دهباشی با انتشار پستی در صفحه شخصی توییت‌ر خود در این خصوص نوشت: از نظریه قبض و بسط شریعت

چگونه می‌زند پدیده‌ها

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

شوراهای شهر و گسترش بحث جوانگرایی در ساختارهای دولتی حکومتی حرکت جدیدی به راه افتاد، در این راستا تغییر مدیران آغاز شد. اما این اقدامات با نگاه انتقادی وسیعی در شبکه های اجتماعی روبه رو شده است. مردم و کاربران شبکه های اجتماعی چراغ به دست، در حال روشن سازی زوایای تغییرات و پوست اندازی مدیریتی در کشور شده‌اند. این مسئله باعث شده

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

اژن خوب و جنبشی که در شبکه های اجتماعی ساخته شد|

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

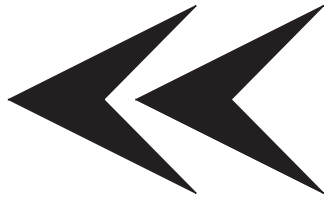
— 373 —

— 373 —

— 373 —

— 373 —

وقتی بستگان مسئول تخلف کردند، خود مسئول هم مجازات شود



این روزها بحث آفازادگی دوباره در سطح جامعه داغ شده و برخی اظهارنظرها در این زمینه، حساسیت ها را بالا برده است. بر این اساس برنامه تلویزیونی «جهان آراء»، یکشنبه شب به همین مسئله اختصاص داشت و با عنوان «خط ویژه، بررسی پدیده آفازادگی» روی آنتن رفت. دکتر صادق کوشکی استاد دانشگاه و تحلیل گر مسائل سیاسی، میهمان جهان آراء بود و در گفت و گو با محمدحسین بدری، به بحث پیرامون همین مسئله پرداخت.

کوشکی در ابتدای این برنامه واژه «آفازادگی» را جزو عبارات خاص دانست که به دلیل خطای بعضی ها دچار ظلم شده و در همین باره گفت: این کلمه جزو مفاهیم فرهنگ دینی ماست که به شخص محترم و مورد اعتماد دینی مردم می گفتند. کلمه «آفا» برای ارباب ها به زور خرج می شد، ولی مثلاً برای پیش نمازی که در دل مردم جا داشت گفته می شد. قبل از پیروزی انقلاب، مردم قبل از اینکه اسم حضرت امام را بیابند به ایشان آقا می گفتند و به خاطر احترام به این

افراد که جنبه تقدس داشت، فرزندان ایشان هم مورد احترام بودند و به آنها «آفازاده» می گفتند. وی به بار منفی عبارت آفازادگی بعد از خطاهای مسئولین اشاره کرد و بیان داشت: الان اگر به کسی این واژه اطلاق شود نمی پسندد و تکذیب می کند. این واژه بار روان شناسی هم پیدا کرده است. افرادی هستند که به خاطر قدرت پدر و اطرافیان شان سوءاستفاده سیاسی و اقتصادی می کنند و برای خودشان جایگاهی درست کرده اند.

این استاد دانشگاه با اشاره به نامه ۵۳ نهج البلاغه تصریح کرد: امیرالمؤمنین در این نامه می فرمایند: «هر مسئولی خواصی دارد، اینها اهل تطاول و استنثار - به تعبیر امروز رانت خواری و چپاول - هستند و در معامله منصف نیستند. حاکم دینی ریشه این فساد را باید از ابتدا بخشکاند و به هیچ کدام از اینها منصب حکومتی واگذار نکند و به گونه ای با آنها رفتار کن که قراردادی به سود آنها منعقد نشود که این سود به زیان مردم خواهد بود.»

وی افزود: حضرت در ادامه این نامه می فرماید: «اینها در هر فعالیتی وارد شوند و بهره اضافی ببرند این بهره به مردم تحمیل می شود. در این حالت سود این اتفاق به نفع این خواص است و عیب و ننگ آن در دنیا و آخرت برای تو مسئولی که در سایه تو این اتفاق رخ داده است... و در این مسئله باید صبر کنی... وقتی این کار را کردید و برای تان سنگین تمام شد، سنگینی قیامت را به خاطر بیاورید و این کارها برای شما آسان می شود... اگر این کار را نکنید رعیت به شما بدگمان می شوند...»

کوشکی در ذیل حدیثی از امام رضا علیه السلام که در آن یکی از یاران امام بعد از ولایتعهدی ایشان با ابراز امیدواری از اینکه وضع مالی بهتری پیدا می کند تصریح کرد: امام رضا بعد از اظهار خوشحالی این فرد به او می گویند اگر روزی به قدرت برسیم درآمد شیعیان و اطرافیان من کمتر و عسرت شان بیشتر می شود. عضو هیئت علمی دانشگاه با طرح این سؤال که چرا بعد از پیروزی انقلاب آفازاده های مختلف

بیشتر می شوند تأکید کرد: گاهی اوقات وقتی تخلف فرزند یک وزیر مطرح می شود نه تنها اظهار شرمساری نمی کنند، بلکه از آن تخلف بنام حق شهروندی هم دفاع می کنند. این موضوع به خاطر این شیوع پیدا کرده که حلال و حرام های فقه سیاسی شیعه در آن اعمال نشده است.

وی با بیان اینکه میدان ندانم به فرزندان مسئولین و اطرافیان آنها در زمان پیامبر چنان جا افتاده بود که حتی تا زمان خلیفه دوم هم رعایت می شده است اظهار داشت: یکی از خلفای جور این کار را شروع می کند و به طور غیرقانونی بستگان خود را در مسئولیت های مختلف حکومتی منصوب می کند و وقتی مردم از او سؤال می کنند که این انتصابات را بنابر چه استنادی انجام دادی از جهل مردم استفاده می کند و با استناد به آیه ای از قرآن که حق خویشان خود را بده! آنها را قانع می کند.

این کارشناس مسائل سیاسی در پاسخ به این سؤال که وضعیت حال حاضر جمهوری اسلامی ناشی از چیست تأکید کرد: ما اسم نظام را جمهوری اسلامی گذاشتیم و مشروعیت آن را از اسلام گرفتیم، اما سازوکارهای آن را از دین نگرفتیم. بخش زیادی از سازوکارهای حکومتی ما به دوران پهلوی و قاجار و شاهان ظالم برمی گردد، یعنی ۴۰ سال دستورالعمل های دینی در حکومتی که به نام دین برپا شده رعایت نشده است.

وی اصلاح این وضعیت را منوط به ورود دین به این عرصه دانست و توضیح داد: حوزه های ما باید در عرصه فقه سیاسی هم ورود کنند تا مانند احکام عبادی، حلال و حرام سیاسی هم وجود داشته باشد.

کوشکی با طرح این سؤال که آیا فرزندان همه مسئولین جمهوری اسلامی ویژه خوار هستند پاسخ داد: بعضی از مسئولین جمهوری اسلامی به هیچ وجه وارد این مسائل نشدند، چون به دستورالعمل امام علی(ع) باور داشتند و سخت گیری بیشتری انجام دادند.

این استاد دانشگاه نمونه بارز آفازادگی دینی را

رفتار امام حسین(ع) با حضرت علی اکبر (س) عنوان کرد و تصریح کرد: امام حسین(ع) در روز عاشورا به فرزند خود می گویند اولین کسی از خویشان که باید به میدان برود تو هستی، نمونه دیگر آن همین امروز در بحث غبارروبی حرم امام رضاع(ع) بود که وقتی به فرزندان رهبر انقلاب هم می گویند شما در این مراسم شرکت کنید، خود ایشان نهی می کنند و می گویند اگر قرار باشد عموم مراجعه کنندگان در این مراسم شرکت کنند فرزندان من هم می توانند بیایند.

وی به دلایل مختلف موضوعیت پیدا کردن آفازادگی اشاره کرد و یکی از آنها را گفته نشدن و معارف و تبدیل نشدن آن به قانون برشمرد و توضیح داد: یکی از وظایف رسانه ها این است که این قدر باید در مذمت این موضوع بحث شود که آن را زشت جلوه بدهند. متأسفانه این امری که به تعبیر امیرالمؤمنین(ع) نهی مطلق است، این قدر عادی و حتی تبدیل به ارزش می شود که به قول یکی از همین آفازاده ها، پدرش در حال استفاده از سهم خودش از بیت المال است!

شاید یک مسئول از عهده تربیت صحیح فرزند خود بر نیاید، اینجا بحث قانون پیش می آید. فهم دینی این است که اگر یک نفر به عنوان فردی عادی تخلفی کرد باید طبق قانون مجازات شود، ولی اگر از بستگان یک مسئول این تخلف را انجام داد هم آن فرد باید مجازات شود و هم آن مسئول، چون متخلف عادی فقط آبروی خود را می برد، ولی یک آفازاده حتی اگر پدرش هم دخالتی در امور او نداشته باشد حتی آبروی یک حکومت دینی را می برد. کوشکی یکی از نتایج پدیده آفازادگی را علاوه بر بی اعتمادی به حکومت، تضعیف ایمان مردم دانست و تأکید کرد: باید طوری شود که اگر فرزندان یا بستگان یک مسئول در دوره مسئولیتش تخلفی انجام داد، در دور بعد مسئولیت جرئت کاندیداتوری نداشته باشد. اگر قرار باشد فرهنگ سیاسی درست شود باید قانون وضع و اجرا شود. شاید از دولت و مجلس هیچ وقت چنین طرح و لایحه ای بیرون نیاید که در این زمینه قوه قضائیه باید پیشگام باشد.

از خون پاک تا خون خوب، فضیلت با کدام است

رقابتی سالم و اخلاقی از رقبای خود پیشی گرفته و بر ثروت خود افزوده، مسأله‌ای نیست که تشخیص آن در صلاحیت این نوشته باشد، چون اگر نهادهای نظارتی، نظارت لازم و کافی را در این زمینه داشته باشند، می‌توانند با بررسی فعالیت‌های اقتصادی هر کسی از جمله افرادی که منتسب به مسئولین کشور هستند و نسبتی یا سببی با آن‌ها دارند، کم و کیف سلامت فعالیت‌های آن‌ها را بررسی و در صورت لزوم برخورد قضایی کنند. البته از بلندپایه‌ترین مقامات کشور تا نمایندگان مجلس، همگی از وجود فساد اداری در کشور سخن می‌گویند و بر لزوم برخورد با مفاسد اداری مالی تأکید می‌کنند.

پیدا کنیم؛ حالا فعلا می‌خواهند بگویند مقصر آفازاده‌ها هستند. او همچنین در بخشی دیگر مدعی می‌شود: هر که توانایی داشته و به نقطه‌ای رسیده، حتماً استعدادهایی در وجودش بوده. بالاخره تأثیر وراثت وجود دارد، زن وجود دارد و در جایی دیگر می‌گوید: بالاخره این خون می‌آید و می‌رسد؛ همینطوری که کسی نمی‌تواند ادعا کند اصل و نسب دارد. افتخار می‌کنم این توانایی‌ها از دو تا زن خوب، هم از طرف مادر و هم از طرف پدر آمده است. خدا هم لطف کرده و در بستر مناسب این کار را انجام دادیم. اینکه هر کسی در کارهای اقتصادی خود تا چه حدی مسیر سالمی را طی کرده و در

چندی قبل قبل فایلی از گفت و گوی یکی از فرزندان مسئولین منتشر شد که در آن گفت و گوی بلند، بخشی از حرف‌ها، پاسخ به حرف و حدیث‌های مطرح در مورد آفازاده‌ها بود. او در بخشی از این گفت و گو از زن خوب و خون خوب خود می‌گوید و موفقیت‌هایش را بی‌ارتباط با آفازادگی و صرفاً به مسأله وراثت و خون مربوط می‌داند. او در بخشی از این گفت و گو می‌گوید: دو سال آخر دبیرستان که بودم، آقای دکتر رئیس دانشگاه تهران بودند. آن زمان این بحث آفازادگی و میاحتی که متأسفانه جدیداً مطرح می‌شود، که دلپیش فکر می‌کنم فرار کردن خیلی‌ها از واقعیت‌هاست برای اینکه یک مقصر پیدا کنند؛ ما عادت کردیم مقصر

خواندن نهج البلاغه دگرگون نمی‌شود بیان داشت: روی صحبت من با مردم است که شما نباید چنین افرادی را برای بار دیگر به قدرت برسانید. وقتی به یک لیست با یک توصیه رأی می‌دهید نتیجه آن می‌شود که افرادی ویژه خوار در حوزه‌های مدیریتی وارد می‌شوند که پیامدهای آن را به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

وی به شیوه‌های برخورد با پدیده آفازادگی اشاره کرد و با تأکید بر نقش رسانه‌ها گفت: زشتی این ماجرا باید به صورتی باشد که اگر فرزند یک مسئول تخلف کرد، بلافاصله پدر او عذرخواهی کند و استعفا بدهد. کوشکی ورود افکار عمومی، مطالبه‌گری و ایجاد فشار را راهکار دیگر معالجه بیماری آفازادگی دانست و تصریح کرد: در کره جنوبی همین افکار عمومی توانستند با مطالبه‌گری رئیس‌جمهور خود به خاطر سوءاستفاده یکی از دوستانش مجبور به عذرخواهی چندباره و در نهایت استعفا کند.

همه کمتر، دردسر و غرغرشان از همه بیشتر، موقع ضرورت غیب می‌شوند و موقع سهم خواهی می‌آیند و از همه بیشتر سهم می‌خواهند. خیلی از اینها مسئول می‌شوند و در انتخابات هم دیدیم که پول می‌دهند تا در یک لیست قرار بگیرند.

وی ادامه داد: حضرت علی(ع) در مقابل خواص می‌فرمایند بار حکومت بر دوش عوامی است که سهمی از سفره حکومت نمی‌خواهند و در موقع خطر داوطلب و در موقع تقسیم غنایم غایب می‌شوند. این تحلیل‌گر مسائل سیاسی با طرح کنایه ای از کسانی که خود را جزو ذخایر نظام می‌دانند یادآور شد: اینکه این افراد چرا هنوز در مسئولیت‌های بالا قرار دارند، به خاطر این است که خیلی از مردم نادانسته مشغول کولی دادن به آنها هستند و این افراد را از بالا به پایین نمی‌آورند. عضو هیئت علمی دانشگاه با تأکید بر اینکه هیچ مسئولی با نصایح بنده در این برنامه با

وی به تعبیر دیگری از امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه اشاره کرد که در آن حضرت، بعضی افراد در قبال بیت المال را به گله شترهایی تشبیه کرد که یک فصل نچریده اند و ادامه داد: ریشه اینها در عدم وضع قانون با ضمانت اجرای مناسب، عدم زشت دانستن فرهنگ سیاسی جامعه و عدم تربیت صحیح است.

این استاد دانشگاه به مخدوش شدن فرهنگی قدیمی میان ایرانیان اشاره کرد که مضمون آن تکیه بر توانایی خود و توکل بر خداوند است و در این باره گفت: در گذشته کمتر مردی بود که به اقوام حتی نزدیک خود در باره کاری رو بیندازد و این کار بین مردم زشت شمرده می‌شد، چون می‌گفتند فلانی هنوز مرد نشده و از پس خود بر نمی‌آید.

کوشکی با یادآوری تعبیر امام علی(ع) در باره خواص تصریح کرد: امیرالمؤمنین(ع) در باره خواص می‌فرمایند که فایده‌شان از

عدالت خواهی فصلی یعنی وقتی مسئولیت داشته باشید اعتراضی نکنید و وقتی کنار گذاشته شوید زبان به اعتراض و انتقاد بگشایید. به نظر می‌رسد عدالت خواهان فصلی از کسی که ظلم می‌کند بدتر باشند، چون آبروی عدالت را هم می‌برند.

ایدئولوگ یک جریان خاص در کشور هستند و افرادی هم به صورت جدی حرف آنها را می‌خوانند و عمل می‌کنند.

وقتی از او می‌پرسند استدلال شما چیست می‌گوید حکمرانی یک وزانت و وقاری می‌خواهد که باید آن را تجربه کرده باشد! متأسفانه اینها

وی در بخش پایانی این برنامه در باره اظهارات یکی از تئوریسین‌های اجتماعی که گفته بود افراد باید سیر باشند تا مسئولیت بگیرند گفت:

قرآن می‌فرماید یک جامعه وقتی فاسد می‌شود که اشراف بر آن مسلط می‌شوند. اگر این افراد می‌توانند یک جامعه را به فساد بکشانند در نقطه مقابل هم باید معلمانی باشند که بتوانند جلوی این فساد را بگیرند و آن را اصلاح کنند.



تأثیرانگیز است. نقد حرف‌های پسر یکی از مسئولین، کسی که نه به نام خود که به نام پدرش شناخته می‌شود و اظهارات عجیبی که می‌تواند به پای پدرش نوشته شود، نشان از آن دارد که افکار عمومی هويت مستقلی برای او قائل نیست و به همین دلیل، ضمن انتقاد از چنین اظهاراتی و لازم دانستن اصلاح آن توسط او، از لحاظ اخلاقی تخطئه شخصیت سیاسی پدر به خاطر اظهارات پسر صحیح به نظر نمی‌آید.

نخبه‌ترین و باهوش‌ترین فرزندان این کشور بدون اینکه ادعایی داشته باشند در جبهه‌های جنگ یا کمترین امکانات فرماندهی عملیات‌های بزرگی را مدیریت کردند و در نهایت با تقدیم خون خود شهید شدند. خون همت‌ها، باکری‌ها و زین‌الدین‌ها و جهان‌آراها خون خوب بود که در دفاع از مرزهای این سرزمین ریخته شد. به همین علت هاست که شنیدن چنین حرف‌هایی که نه با واقعیت سازگار است و نه در دنیا خریدار دارد و نه مبتنی با فرهنگ کشور ماست، تأسف بار و عجین و هم نشین شده است. خوب می‌دانیم

پیرسالاری و آقازادگی؛ دو روی یک سکه

پیرسالاری و آقازادگی؛ دو روی یک سکه

عباس عبدی : این روزها دو اتفاق به ظاهر غیرمرتبط با یکدیگر در نظام اجرایی واداری کشور در حال رخ دادن است که شایسته تحلیل است. اولین مورد حضور افراد پا به سن گذاشته اصلاح طلبان در مصادر اجرایی کشور است. برای نمونه وزرای که قرار بود در دولت، چند سال از میانگین عمرشان کم شود، بیشتر هم شده است، اگر وزیر مخابرات را به عنوان یک استثنا در نظر بگیریم، تقریبا همه افراد و وزرای جدید و قبلی از حلقه محدود سه دهه مدیریتی گذشته هستند. شاید این را مختص دولت

بدانیم، ولی در شهرداری نیز کمابیش شاهد همین روند هستیم. در مجلس هم به زور رد صلاحیت شورای نگهبان بود که تا حدی افراد جدیدی آمدند. در این مورد توضیح دهم که منکر صلاحیت های احتمالی فردی هیچ کدام از این افراد نمی شوم، ولی خوب بنده طرح مسئله دیگری است. اتفاق دیگر که به نظرم بی ارتباط با روند اولی نیست، حضور آقازاده ها در برخی از مناصب است. باز هم منکر صلاحیت های احتمالی هیچ کدام از این افراد نمی شوم، ولی خوب بنده طرح مسئله دیگری است. اتفاق دیگر که به نظرم بی ارتباط با روند اولی نیست، حضور آقازاده ها در برخی از مناصب است. باز هم منکر صلاحیت های احتمالی هیچ کدام از این افراد نمی شوم، ولی خوب بنده طرح مسئله دیگری است. اتفاق دیگر که نگاه می کنیم می بینیم ناظران بیرونی هم به حضور آقازاده ها اعتراض دارند و هم به حضور پدرانشان و اگر یک مورد هم فرد جوانی وارد میدان شود به دلیل و یا علت دیگری او را نقد و رد می کنند. شاید همین اشتراک در رد هر سه پدیده بتواند ما را به تحلیل مشترکی از این سه پدیده برساند. هر چند علت مشترک توضیح دهنده کل ماجرا نیست، زیرا در خصوص پدیده آقازادگی مسئله رانت نیز وجود دارد ولی فارغ از این نکته فصل مشترکی را برای این پدیده ها می توان یافت

علت آن رویدادهای پس از سال ۸۴ به ویژه ۸۸ است. فارغ از هر گونه داوروی یا ارزشگذاری که در مورد این رویدادها داشته باشیم، باید توجه کنیم که تبعات

دستگاه پیرسالاری و آقازادگی

داستان ژن خوب از یک مصاحبه شروع شد. رئیس فراکسیون امید واز برجسته ترین چهره های فعلی جناح اصلاح طلب، پسر عارف در آن مصاحبه کذایی که از یک شبکه اینترنتی پخش شد، موفقیت های اقتصادی خود را حاصل هوش خودش که ناشی از ژن خوبیش بود، و البته تلاش دانسته بودی، آنکه این مسئله ارتباطی با موقعیت سیاسی پدرش داشته باشد.

این سخنان پسر عارف به سرعت با واکنش های شدیدی در شبکه های اجتماعی همراه شد. کاربران بسیاری با هشتگ #ژن_خوب به نقد جدی سخنان حمید عارف پرداختند. مهم تر از این انتقادات که به سنت شبکه های اجتماعی بخصوص توئیتر باخشم و خوسوت و گاه بی انصافی هم همراه بود، افشاکاری برخی از کاربران بود که به معرفی افراد دیگری پرداختند که در سال های اخیر به سمت های مدیریتی دست یافته اند و با برخی از مسئولان و سیاستمداران رابطه نسبی و سببی دارند.

ژن خوب البته تنها یک بیان جدید برای مسئله ای قدیمی است. این مسئله در سال های پایانی دهه ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ بیشتر با عنوان مسئله آقازادگی شناخته می شد. آقازادگی هم به فرزندان مسئولی اشاره کرد که با استفاده از رانت پدر به ثروت دست می یافتند. ثروت هایی که البته گاه بسیار کلان بود. در داستان آقازادگی البته پای هر دو جناح چپ و راست آن زمان گیر بود. با این حال این عنوان بیشتر برای سیاستمداران راست یا اعتدال گرایان به کار می رفت و کمتر اصلاح طلب مشهوری آن زمان فرزندی داشت که به این عناوین شهره باشد. محمود احمدی نژاد البته از این عنوان به خصوص برای جلب توجه عموم و تسویه حساب با راست میانه و سنتی به خوبی بهره برد. نام بردن مداوم از آقازاده ها در آن زمان بیشتر اشاره ای به فرزندان آیت الله هاشمی رفسنجانی بود. هر چند هیچ گاه او و دیگر مدعیان سندی را به صورت عمومی از سواستفاده فرزندان آیت الله فقید منتشر نکردند. تفاوت داستان ژن خوب با آقازادگی علاوه بر تفاوت الفاظ، اما دو نکته را در خود نهفته دارد. یکی آنکه ژن خوب نه فقط برای سیاستمداران اصول گرا که این روزها برای فرزندان سیاستمداران اصلاح طلب و اعتدال گرا هم به کار می رود. داستان با پسر محمدرضا عرف شروع شد و البته بعدها نام فرزندان اصلاح طلب دیگری هم به میان آمد. تمایز دوم هم در آن بود که در داستان آقازادگی بیشتر کسب فرصت های اقتصادی کلان در بخش خصوصی و استفاده از روابط و نفوذ پدران در میان بود، در حالی که این بار بحث در بسیاری موارد به کسب سمت های دولتی در دستگاه های دولتی و شرکت های وابسته به دولت مطرح است.

در روزهای اخیر بحث آقازادگی به مجلس هم

آنها خیلی زیاد بود. هنگامی که صدها نفر به زندان رفتند و هنوز نیز مسئله حصر حل نشده است و برای افرادی بیش از زندان رفقاها به پرونده درست شده باشد، نتیجه ای از این بهتر عاید نخواهد شد. هنگامی که موافقت با حکم آقای نجفی برای شهرداری تهران در دست انداز بیفتد، وضع بقیه روشن است. در واقع هر چه به سنین پایین تر از فعالان اصلاح طلب برویم این مشکل جدی تر است. بنابر این عبور کردن از برخی فیلترهای رسمی یک مساله محوری در این ماجرا است.

از سوی دیگر بیش از ۱۲ سال است که میان فعالیت اصلاح طلبان سیاسی با حضور اصلاح طلبانه در نظام اداری شکاف و فاصله افتاده است. این مدت زمان زیادی است که آنان را ناتوان از تربیت و معرفی نسل های بعدی برای تصدی هر گونه پستی نموده است. در این مدت تمامی یا حداقل بیشتر نیروهای اصلاح طلب در چارچوب فعالیت سیاسی ظهور و بروز داشتند و این چارچوب نیز در جریان اتفاقات ۸۸ به کلی دچار شکاف شد. وضعیت متناقضی که پیش آمده از همین منظر است. از یک سو موضع اصلاح طلبی و حضور در قدرت خواست کلی آنان است ولی از سوی دیگر وارد شدن آنان در بازی صفر و یک قرار داد. شکاف نسلی میان نیروهای اصلاح طلب نیز از همین منظر رخ داده. بخش جوان تر آنان به نسبت رادیکال تر بودند. در نتیجه دچار فاصله بیشتری با قدرت گردید و ممنوعیت شدیدتری برای صورت آنان ایجاد شده است و از سوی دیگر همین نسل با بزرگترهای خودشان نیز در ذیل یک فرآیند آرام سیاسی و در ساختار اداری تبادل تجربیات نکرده و ارتقا نیافته اند. به همین دلیل میان نسل جوان آنان با نسل میانسال و بزرگتر اصلاح طلبان و نیز با معیارهای لازم برای ورود به ساختار

بحران کادر سازی مقدمه ژن خوب

رسیده است. نه تنها گفته شد که فرزندان یکی از نمایندگان مشهور فراکسیون امید در هیات مدیره شرکت های دولتی سمت گرفته اند، بلکه بحث شهردار شدن فرزند یکی از نمایندگان مشهور فراکسیون مستقلین مجلس هم مطرح شده است که البته دیروز عنوان شد که از نامزدی برای این سمت انصراف داده است. دیروز پروانه سلحشوری رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی نسبت به این مسائل واکنش نشان داد. او در گفتگو با سایت انتخاب گفت: «من با مسئولیت گرفتن نزدیکان نمایندگان و وزرا به عنوان شهردار یا در هر پست دیگری موافق نیستم. خودم به عنوان یک نماینده اگر بدانم غیر از فرزند من شخص دیگری نیست که فلان مسئولیت را بپذیرد برای او کاری انجام می دهم و در غیر این صورت اگر به این قطعیت نرسم و بدانم افراد دیگری شایستگی حضور در آن مسئولیت را دارند برای او کاری انجام نمی دهم.»

سلحشوری ادامه داده است: «پدیده آقازادگی تبعات بدی دارد و مردم می گویند چرا ما از امکانات محروم هستیم و کسی که دارای موقعیت شغلی است فرزندانش را در پست های عالی مشغول به کار می کند و فرزندان ما از این موقعیت و امکانات محروم هستند. به شخصه وقتی فرزندانت چند نفر از همکارانم در پست هایی مسئولیت گرفتند ناراحت شدم و یاد بچه های دانشگاه شریف و خواجه نصیر افتادم که چقدر توانمند هستند و نیاز به شغل دارند ولی مجبور به مهاجرت می شوند.» ژن های خوب اصلاح طلب و بحران کادر سازی ماجرای آقازادگی و ژن خوب ابعاد متفاوت و متعددی دارد.

اینکه چرا علی رغم آشکار بودن این مسئله و طرح آن در رسانه های گروهی و افکار عمومی و تاکید تمام مقامات نظام برای برخورد با این پدیده هنوز ادامه یافته است، هم خود داستانی پرآب چشم است. بعید است که مثل همه مسائل اجتماعی راه حلی فوری هم برای این مسئله وجود داشته باشد. کشیده شدن داستان ژن خوب به اصلاح طلبان اما یک موضوع را به ذهن متبادر می سازد و آن هم ناتوانی این جریان سیاسی از کادر سازی است. در این جناح سیاسی، و در شرایطی که به هر حال شدید منابع در این حوزه کم است، پست و مقام گرفتن فرزندان برخی سیاسیون این جناح واقع در غیاب پرورش مدیران جوان و متخصص در این جناح سیاسی، و در شرایطی که به هر حال این جناح راهی دوباره به قدرت نیافته است، پست و مقام گرفتن فرزندان برخی سیاسیون این جناح به رویه ای جایگزین مبدل می شود. البته که این سمت ها برای فرزندان سیاستمداران اصلاح طلبی است که حساسیت کمتری در مورد آنها وجود دارد و کمتر در مورد اصلاح طلبانی که طرف مقابل تندرو می خواند، رخ می دهد.

اینکه چرا چنین پدیده ای دامن این جناح سیاسی را گرفته است، دلایل متعددی دارد. بعد

اجرائی و دولتی شکاف ایجاد شده است. در حالی که به لحاظ قدرت اجتماعی و سیاسی مردمی، این جناح دست بالا را دارد و خواهان حضور اراده ناشی از این قدرت در ساختار اجرایی و قانونگذاری است.

این تعارض چگونه حل می شود؟ هر چند این راه حل هم نیز نارسا است. اول از طریق حضور نیروهای پا به سن گذاشته ای که همچنان برای سیستم تا حدی قابل اعتماد هستند. نیروهایی که تا حدی از سرمایه صدر انقلاب و پیش از انقلاب خود نیز خرج می کنند. نیروهایی که علی رغم همه کش و قوس ها ارتباطات خود را دارند و همچنان می توانند در این وضع عهده دار مسئولیتی شوند. در واقع نیرویی جوان تر از آنان که بتوانند از دروازه های صلاحیتی رد شود ندارند و همه این نیروها را به نحوی زخمی کرده اند یا شده اند. راه دوم ورود نیروهای جوان تر به این میدان است. نیروهایی که به نحوی منتسب به پدران صاحب نفوذ خود هستند. یعنی همان آقازادگان. فرض کنید که یک جوان ناشناخته و غیرفعال بخواهد در پستی قرار گیرد، به طور طبیعی همه خواهند گفت این از کجا آمد؟ یا کدام سابقه؟ و از همه مهمتر این که چه کسی او را پیشنهاد کرد؟ اگر اصلاح طلبان پیشنهاد کنند که حتما واجد ویژگی سایر جوانان اصلاح طلب است و صلاحیتی رسمی برای حضور نخواهد داشت و اگر دیگران معرفی کنند که باز هم مورد اتهام واقع خواهد شد و اگر مثل وزیر معیارباز پیشنهاد شود که در این صورت سابقه امنیتی یا مشابه آن طرح می شود! بنابراین حل این دو پدیده، در گرو حل عامل ایجادکننده آن است. متأسفانه هنوز درک درستی از تبعات ۸۸ نه برای حکومت و نه برای منتقدین اصلاح طلب حاصل نشده است و تا این مساله حل نشود، همچنان با این تناقضات روبرو خواهیم شد.

تغییر رژیم ستم شاهی سمت های

مدیریتی بسیاری خالی مانده بود. بدهیی بود که این سمت ها توسط انقلابیونی پر شد که معمولا در سنین آغاز جوانی بودند. این وضعیت باعث شد که میانگین سنی مدیریت کشور به شدت کاهش یابد. به عبارت بهتر جوانانی که از ابتدای دهه ۲۰ زندگی خود بودند در ابتدای دهه ۶۰ وارد سمت های مدیریتی شدند. در این حالت طبیعی است که آنها برای سال های طولانی در این سمت ها حاضر باشند و عرصه برای نسل های بعد تنگ شود.

داستان اما به اینجا خلاصه نمی شود. در حالی که اصول گرایان بر دستگاه های متعددی تسلط دارند، اصلاح طلبان در سال های بعد از انقلاب معمولا تنها به دستگاه های دولتی و زیرمجموعه قوه مجریه مسلط بوده اند. این تسلط هم البته گاه به گاه بوده است و با تغییر روسای جمهور از دست رفته است. به جز دولت اصلاحات، هم دولت های سازندگی و هم دولت حسن روحانی در به کارگیری مدیران اصلاح طلب بسیار آسماک کرده و محتاط بوده اند. ضربه اصلی را اما دولت احمدی نژاد وارد کرد، در شرایطی که نسل دوم اصلاحات باید وارد عرصه مدیریتی می شد، به قدرت رسیدن احمدی نژاد همه رشته های توسعه کشور را پنبه کرد و نه تنها به جوانان اصلاح طلب میدانی داده نشد، که مدیران باتجربه اصلاح طلب هم خانه نشین شدند.

از سوی دیگر مقوله وارد شدن جوانان در احزاب و تشکلهای خوب اصلاح طلب و بحران کادر سازی تصمیم گیری و تصمیم سازی هم به تعویق افتاد. در غیاب احزاب قدرتمند ضابطه روشنی برای رشد جوانان در این جناح سیاسی هم بر مشکل رشد جوانان در این جناح افزود. کار البته به اختلاف و گاه انشعاب هم کشیده شد. انشعاب هایی که البته برای این جریان سیاسی عواقبی ناخوشایند داشته و دارد.

همه این موارد وقتی در کنار حساسیت های امنیتی در مورد جوانان اصلاح طلب قرار گرفته است راه حضور آنها را در سمت های مدیریتی مسدود کرده است. ترکیبی از غیاب نظام حزبی و تشکیلاتی برای رشد و پرورش جوانان در کنار حساسیت ها در مورد جوانان اصلاح طلب، کمبود شدید منابع در این حوزه هم با احتراز دولت از به کار گیری اصلاح طلبان و هم با میل شدید نسل اول به ادامه حضور در عرصه راه را برای گسترش پدیده ژن خوب در میان اصلاح طلبان گشوده است. پدیده ای که اگر به سرعت برای آن فکری نشود می تواند ضربه ای مهلک به اعتماد بدنه اجتماعی این جریان سیاسی وارد آورد و البته که بدنه سیاسی آن و به خصوص جوانان آن را هم ناامید و خسته کند.

از نگاه اصلاح طلبی

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

چگونه می زند

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

www.iranpress.com

راهکار رهایی از ژن خوب

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، در بررسی مسئله آقازادگی و انتصاب فرزندان مقامات مسئول گفت: مسئولان باید توجه کنند که پست‌های موجود در کشور، ملک شخصی نیست که هر کس هر زمانی خواست به آن ورود کند، ژن خوب؛ واژه‌ای که یادآوری می‌کند اگر ژن‌هایت کمی این‌طرف و آن‌طرف باشد، جزء از ما بهتران نیستی و باید خارج از گود نژاد برترها زندگی کنی. کلمه‌ای که مدت‌زمان نه‌چندان طولانی، سر زبان‌ها افتاد و به فرهنگ زبانی مردم ورود پیدا کرد و شاید شنیدن آن، هم لبخند را بر چهره بعضی‌ها نمایان کند از حیث برتر بودن و هم داغ دل دیگری‌ها را تازه. مدت‌زمانی است که این واژه در میان مردم وارد شده و به لطف بعضی آقاها و آقازاده‌ها چنان گسترش پیدا کرده که اصلاً گمان نمی‌کنی چیز عجیب‌وغریب و جدیدی است. متأسفانه در ماه‌های اخیر، شاهد استفاده‌ها و دریافت پست‌های مدیریتی از سمت فرزندان برخی دولتمردان بودیم. پست‌هایی که شاید یک فرد معمولی با ژن متوسط، برای رسیدن به آن باید سال‌ها مو سپید کند اما آقازاده‌هایی با ژن برتر، یک‌شبه آرزوی خیلی‌ها را زندگی کرده‌اند.

اتفاقی که در رابطه با دریافت پست‌های مدیریتی از سمت فرزندان برخی دولتمردان افتاد، موجی از بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت را به دنبال آورد و ریشه این تفکر که اگر از بالا نباشی تا ابد به بالا نخواهی رسید را تقویت کرد. برخی از مسئولانی که ادعا کرده بودند ۳ فرزند بدون شغل در خانه‌دارند، با روشن شدن مسئولیت‌های مدیریتی فرزندانشان سکوت کردند. بعضی، از شغل فرزندانشان، اظهار بی‌اطلاعی کردند و خبرهای پیرامون آن را، توطئه برای تخریب خواندند و همچنین بودند کسانی که در نهایت وقاحت، مهر تائید را هم بر موقعیت فرزندان زدن و از داشتن چنین فرزند کارآمدی اظهار خشنودی کردند. شاید سنگین‌ترین ضربه‌ای که به‌موازات درج این اخبار بر مردم وارد شد، از این حیث بود که کسانی که سال‌ها، هیتلر و آلمان‌های نازی را به سبب اعتقاد به نژاد برتر مذمت می‌کردند، اکنون خودشان درگیر این خودبرتری‌ها شده‌اند و درحالی‌که بسیاری از افراد عادی، برای رسیدن به موقعیتی بهتر در کارشان شبانه‌روز تلاش می‌کنند، عده‌ای بدون زحمت و به‌واسطه نام پدرانشان، در اندک زمانی به

است که می‌توان احتمال داد بر اساس شایستگی فرد است؛ اما سطح بعدی، مفاسدی است که به‌واسطه این مشاغل، صورت می‌گیرد. بعضی از این آقازاده‌ها مباحثی را مطرح می‌کنند که اصلاً درست نیست؛ مانند همان شخصی که مدتی پیش گفت «ما سهم خودمان را از سفره انقلاب برمی‌داریم». این حرف خیلی اشتباه و بد است. یا مانند اینکه فرزند مسئولی باشی و به‌واسطه این موقعیت، در انتخاب‌های پدربت مداخله کنی‌دو با ابراز خوشحالی از اینکه جامعه به این نوع مسائل حساس است، ادامه داد: فردی که به‌عنوان باج دادن، در مقامی منصوب می‌کند، زمینه آبروریزی و مفسده را فراهم می‌کند. افراد باید متوجه باشند که در حوزه عمومی، رسانه‌ها حساس شده‌اند. برخی رسانه‌ها در

جهت شفاف‌سازی و افشاگری از این موضوعات برآمده‌اند. البته گاهی، افشاگری‌ها غیراخلاقی است. برای مثال یک فردی که داماد مقام مسئولی هم هست، درجایی مشغول به کار شده. ما نمی‌توانیم به‌واسطه اینکه دامان فلان شخص است، بگوییم بر اساس رابطه وارد شده است. باید بررسی کنیم و ببینیم این شخص، در چه سبکی بالاآمده است.

خواست به آن ورود کند او ادامه داد: موردی که مدتی پیش به آن برخوردیم، یک فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد بود که در رشته مرتبط خودش، در یک سازمانی متقاضی استخدام بود. برای استخدام او آن‌قدر سؤال پرسیده بودند و بعضی از آن‌ها آن‌قدر بی‌ربط بودند که گریه او درآمده بود و دست‌آخر هم او را رد کردند و نپذیرفتند. در این شرایط وقتی این متقاضی جوان می‌بیند که پسر فلان مسئول و مدیر با سن کم و تحصیلات غیر مرتبط، در همان شغل استخدام شده است، او به سازمان بی‌اعتماد می‌شود. قانعی راد در خاتمه تأکید کرد: باید در انتصاب افراد، بازنگری دقیق و درستی صورت بگیرد و شایسته‌سالاری و روابط غیرشخصی برای انتصاب مدیران در دستور کار قرار بگیرد.



متأسفانه بده بستان‌های سیاسی، در این اواخر باب شده است که افراد برای ثبت موقعیت خودشان، حاضرند که به دیگری باج دهند. این باج دادن از عدم اعتماد فرد به جایگاه خودش نشات می‌گیرد که سعی می‌کند برای تثبیت موقعیت خود، این کار را انجام دهند. او افزود: در این میان، فرزندان مسئولان هم در این میان به چشم می‌خورند و به‌واسطه اینکه فامیلی‌ها یکسان است، این مسئله بیشتر به چشم می‌آید. ولی تمام قضیه در همین حد نیست، اگر تنها ۴-۵ نفر از فرزندان مسئولان، در این شرایط بودند، شرایط بهتر بود و پذیرش عمومی راحت‌تر می‌شد؛ اما مسئله مهم در اینجا، سطح وسیع این جایگاه‌ها است.

برگرفته از بدبینی جامعه بر این افراد است. این‌گونه نیست که اگر کسی از فرزندان مسئولان در یک منصب مشغول به کار شود، حتماً و قطعاً قانعی راد ادامه داد: در این قضیه دو سطح مطرح می‌شود، اول منصوب شدن به برخی مشاغل

که فرزندانشان در پست‌های مدیریتی بالا منصوب شده‌اند، گفت: به‌طور طبیعی، اگر فرزندان مسئولانی که تربیت سیاسی را هم به فرزندانشان یاد داده‌اند، در یک‌روند طبیعی، به مشاغل گماشته شوند، چندان عجیب‌وغریب نیست. بخشی از نگاه‌ها به مسئله آقازادگی هم

قانعی راد با تأکید بر اینکه این نوع کسب موقعیت‌ها، بی‌اعتمادی و تزلزل در نظام اداری و سیاسی را به همراه دارد گفت: دریافت مقامات مدیریتی، بسیار بحث وسیعی است که بسیاری از لایه‌های آن بر ما آشکار نیست. او در رابطه با سکوت و یا فخر برخی از دولتمردانی

اینکه تلاش شود شکست‌های فردی را صرفاً با عوامل فردی و نه اجتماعی و ساختاری تحلیل و ریشه‌یابی کنیم. قطعاً نگاه جامعه شناختی به شکست‌ها و ناکامی‌های فردی با نگاه روان‌شناسی گرابی متفاوت است. جامعه‌شناسان عمدتاً به نحوه توزیع فرصت‌های اجتماعی در بین افراد توجه می‌کنند و در علت‌یابی شکست‌های فردی هم به سراغ این پرسش می‌روند که آیا توزیع فرصت‌ها و منابع در جامعه منصفانه و عادلانه است؟ روشن است که وقتی پای ژن به میان می‌آید مسأله بسیار بغرنج‌تر می‌شود. در نگاه روان‌شناسی گرا به پیشرفت فردی، حداقل موضوع اراده در میان است ولی در ژن‌گرایی، مسأله زیست‌شناختی می‌شود و اراده و ساختار اجتماعی اهمیت خود را از دست می‌دهند.

مواجه بودیم. آیا فولاد مبارکه هم این افزایش قیمت را انجام داده؟ قیمت محصولات فولاد مبارکه افزایش چشمگیر نداشته است. وی خاطرنشان کرد: بر این باور هستیم که اقتصاد، بسته ای است که پارامترهای مختلفی دارد و نمی‌توان برخی را کنترل و برخی را رها کرد. باید ببینیم که مکانیزم تسهیل این مهم، بورس کالا است؛ اگر هم ایرادی دارد، باید رفع شود. مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه: توازن در کل زنجیره فولاد لازمه رسیدن به توسعه پایدار است سبجانی با تأکید بر اینکه سیستم قیمت‌گذاری و شورای رقابت جواب نمیدهد، تصریح کرد: بورس کالا راه اندازی شد تا قیمت‌گذاری‌ها بر اساس عرضه و تقاضا انجام شود. اگر قرار است شورای رقابت قیمت ورق را مدیریت کند، باید قیمت مواد اولیه فولادسازها مانند سنگ آهن و گاز را هم مدیریت کند. در حقیقت بالا و پایین صنعت باید با هم دیده شود؛ چون به صورت یک زنجیره در حال فعالیت است. در حقیقت بورس نقشی در تعیین قیمت ندارد. فروشنده و خریدار در کنار هم به توافق می‌رسند و بورس کالا فقط فضای مذاکره را فراهم میکند.

تصمیمات هیئت مدیره بورس کالا بدون لحاظ منافع بنگاه خاصی اتخاذ میشود

بنابراین گزارش، در ادامه دکتر حامد سلطانی نژاد، مدیرعامل بورس کالای ایران که به همراه اعضای هیئت مدیره بورس کالای ایران از شرکت فولاد مبارکه بازدید می‌کردند، اظهار کرد: انسان از بدین چنین قهقهایی تولیدی که نه تنها در کشور ما یک ستاره درخشان است، بلکه در دنیا حرفی برای گفتن دارد، خوشحال میشود. چندین سال است در بورس کالا شاهد عرضه محصولات فولاد مبارکه هستیم، اما از نزدیک هیچوقت فرایند تولید و زحماتی را که فعالان این عرصه متحمل میشوند تا آن محصول به بازار بورس کالا برسد، ندیده

بودیم. وی افزود: محصول ورق جزء محصولات مادر و پایه تولیدی بسیاری از محصولات دیگر است. اگر این محصول را نداشته باشیم، وابسته به واردات خواهیم بود و محصولات نهایی تولیدشده از آن قطعاً کیفیت مدنظرمان را نخواهند داشت؛



ضمن اینکه آن امنیتی که تولید ورق در داخل فراهم میکند بسیار مهم است. مدیرعامل بورس کالای ایران با اشاره به اینکه در حوزه بازار ورقهای فولادی چالشهایی مطرح است و به نظر رعایت منافع هم واحدهای بالادستی و هم پایین دستی هر دو در بورس امکانپذیر است و ما میتوانیم با یک روش میانه‌ای که منافع هر دو طرف رعایت شود به یک مدل کشف قیمت مناسب در بورس برسیم.

وی تأکید کرد: نکته اساسی تر اینکه در مورد شفاف سازی در بورس این مسئله تنها نباید مخصوص صنایع بالادستی باشد؛ بلکه صنایع پایین دستی هم باید در عرصه شفافیت در حوزه تولیدشان گام بردارند؛ ضمن اینکه اگر میخواهیم در حوزه صادرات شفاف باشیم، باید واردات هم شفاف باشد، نحوه قیمت‌گذاری و نحوه تخصیص محصولات وارداتی هم باید مشخص باشد که مطمئناً در عرصه بورس این اتفاق میتواند بیفتد. سلطانی نژاد خاطرنشان کرد: حتی امکان عقد قراردادهای بلندمدت هم مدتی است که در بورس کالا برقرار شده و چه در فرایندهای داخلی و چه در فرایندهای بین‌المللی، مثل صادرات و واردات، انعقاد قراردادهای بلندمدت امکانپذیر است.

مجمع فولاد مبارکه

مفوق

مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه :

توازن در کل زنجیره فولاد لازمه رسیدن به توسعه پایدار است

ه گزارش خبرنگار فولاد، دکتر بهرام سبجانی در جریان بازدید مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره بورس کالای ایران از فولاد مبارکه با اشاره به عملکرد این شرکت در چهار سال گذشته اظهار کرد: تولید فولاد خام در پایان سال ۹۱ برابر با ۶ میلیون و ۶۵۰ هزار تن بوده که در پایان سال ۹۵ به ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تن رسیده است. در سال ۹۶ هم برنامه تولید ۸ میلیون و ۶۳۰ هزار تن هدف قرار داده شده که با ۳۰ درصد رشد همراه است و در چهارماهه نخست سال از برنامه هم پیشی گرفته ایم.

وی با بیان اینکه در فولاد مبارکه نسبت به سال ۹۱ بالغ بر ۳۸ درصد افزایش ظرفیت داشتیم، افزود: حدود ۵۳۰۰۰ میلیارد ریال در پروژه های داخل و خارج فولاد مبارکه سرمایه گذاری کرده ایم که تمام آن از منابع داخلی شرکت بوده است. مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه اصفهان اضافه کرد: طرح ۵ میلیون تنی کنسانتره سنگان در اواسط سال آینده راه اندازی میشود و توسعه سبأ از ۷۵۰ هزار تن به ۱۶ میلیون تن انجام شده و آماده بهره برداری رسمی است. همچنین در کارخانه فولاد مبارکه تولید از ۵.۴ به ۷.۲ میلیون تن افزایش یافته است. وی با تأکید بر اینکه در کنار توسعه کمی، توسعه و بهبود کیفی محصولات را هم انجام داده ایم، گفت: تولید ورق آجدار در مجتمع فولاد سبأ، اضافه کردن تجهیزات گاززدایی و تولید ورقهای رویه خودرو، سامانه گوگردزدایی و تولید ورق فولادهای API مورد استفاده

ژن خوب در خانواده ترامپ

توهم بهره‌مندی از ژن برتر یا «ژن خوب» از دیرباز در میان برخی از هنرپیشگان، هنرمندان، دولتمردان و افراد مشهور جهان وجود داشته است. گویی این بخشی از پیامدهای شهرت و قدرت است. امروز هم بسیاری از «آقازاده‌های دنیا فکر می‌کنند که از این «ژن خوب» برخوردارند و همین مساله باعث قدرتشان شده است. خبرگزاری سی‌ان‌ان در گزارشی فاش ساخته است که پسر دونالد ترامپ هم چنین بوری دارد. براساس این گزارش، مایکل دانتونینو، نویسنده کتاب «حقیقت درباره ترامپ»، از مکالمه‌ای با پسر دونالد ترامپ می‌گوید که در آن وی از ژن خوب خود پرده بر می‌دارد.

«دانتونینو نوشته است: «براساس آنچه دونالد ترامپ جونیور (پسر دونالد ترامپ) به من گفته است، خانواده ترامپ در زمینه تکامل بشر به «تئوری نژادهای اصلاح شده» باور دارد و اینکه آنها به لحاظ ژنتیک نسبت به سایرین برتری دارند. در گزارش سی‌ان‌ان آمده است که دونالد ترامپ در بیشتر سال‌های عمر خود به عارضه نوع خاصی از زندگی که منجر به انزوای او از قشر عادی جامعه شده بود، مبتلا بود.»



تازه رخ نموده‌اند. او رهبری یک کشور وسیع و متنوع را به‌دست گرفته است که مشکلاتش بسیار پیچیده‌تر از حد تصور هستند اما با توجه به پیشینه طولانی انزوای او از واقعیات زندگی مردم در آمریکا، هیچ‌یک از مسائل بر خود او روشن نیست. بیوگرافی رئیس‌جمهوری آمریکا سراسر داستان انزوای مطلق از دنیای افرادی است که در پیاده‌روها راه می‌روند، خودروی خود را می‌رانند و ظرف‌هایشان را خودشان می‌شویند. همه اینها توضیحی است برای درک جهان‌بینی متحیرکننده او و واکنشی که وی به نظاهرات هفته گذشته نژادپرستان در شارلوتزویل نشان داد، رویدادی خشونت‌بار که به بهانه برداشته شدن یک مجسمه شکل گرفت و او همچنان با تویتهای عجیبش بر آتش آدن دامن می‌زند. در این درگیری خشونت‌بار که بین طرفداران برتری نژاد سفیدپوستان و مخالفان نژادپرستی رخ داد، یک نفر به‌نام هیئر هیر جان خود را از دست داد و بسیاری دیگر مجروح شدند. در پی این حادثه، ترامپ به‌خاطر قربانیان خشونت، جامعه آمریکایی ابراز همدردی نکرد یا بر لزوم اتحاد در جامعه تاکید نداشت بلکه پیامش تنها نشان‌دهنده علاقه او به حفظ روابط با عوامل افراطی مرتبط با پایگاه خودش بود. در نهایت او پس از دو پیام غلط که در آنها تلوخا از نژادپرستان حمایت کرده بود، سرانجام نصایح را پذیرفت و در حضوری پرمجادله بین خبرنگاران، هر دو طرف درگیری را مورد سرزنش قرار داد اما در عین حال تلوخا اطرافیان خود را که با فرادین در ارتباط هستند از این سرزنش مستثنی کرد. ترامپ گفت: «در هر دو طرف درگیری افراد خیلی خوبی هم وجود دارند.» سخنان او نشان می‌داد او طوطی‌وار خط فکری

تازه رخ نموده‌اند. او رهبری یک کشور وسیع و متنوع را به‌دست گرفته است که مشکلاتش بسیار پیچیده‌تر از حد تصور هستند اما با توجه به پیشینه طولانی انزوای او از واقعیات زندگی مردم در آمریکا، هیچ‌یک از مسائل بر خود او روشن نیست. بیوگرافی رئیس‌جمهوری آمریکا سراسر داستان انزوای مطلق از دنیای افرادی است که در پیاده‌روها راه می‌روند، خودروی خود را می‌رانند و ظرف‌هایشان را خودشان می‌شویند. همه اینها توضیحی است برای درک جهان‌بینی متحیرکننده او و واکنشی که وی به نظاهرات هفته گذشته نژادپرستان در شارلوتزویل نشان داد، رویدادی خشونت‌بار که به بهانه برداشته شدن یک مجسمه شکل گرفت و او همچنان با تویتهای عجیبش بر آتش آدن دامن می‌زند. در این درگیری خشونت‌بار که بین طرفداران برتری نژاد سفیدپوستان و مخالفان نژادپرستی رخ داد، یک نفر به‌نام هیئر هیر جان خود را از دست داد و بسیاری دیگر مجروح شدند. در پی این حادثه، ترامپ به‌خاطر قربانیان خشونت، جامعه آمریکایی ابراز همدردی نکرد یا بر لزوم اتحاد در جامعه تاکید نداشت بلکه پیامش تنها نشان‌دهنده علاقه او به حفظ روابط با عوامل افراطی مرتبط با پایگاه خودش بود. در نهایت او پس از دو پیام غلط که در آنها تلوخا از نژادپرستان حمایت کرده بود، سرانجام نصایح را پذیرفت و در حضوری پرمجادله بین خبرنگاران، هر دو طرف درگیری را مورد سرزنش قرار داد اما در عین حال تلوخا اطرافیان خود را که با فرادین در ارتباط هستند از این سرزنش مستثنی کرد. ترامپ گفت: «در هر دو طرف درگیری افراد خیلی خوبی هم وجود دارند.» سخنان او نشان می‌داد او طوطی‌وار خط فکری

در کاخ سفید ترامپ همان عادت‌های سابق خود در تماشای برنامه‌های تلویزیونی را ادامه داد و همان منایعی را دستچین کرد که در زمان نامزدی پست ریاست‌جمهوری از وی حمایت می‌کردند و گاهی هم حرف‌های آنها را از طریق توییتر تقریباً بلافاصله تکرار کرد. رئیس‌جمهوری آمریکا نسبت به دردی که دیگران احساس می‌کنند بی‌توجه است چون بیشتر وقت خود را به دور از نظرات مختلف سپری می‌کند، نظرانی که حتی شاید او از وجودشان هم بی‌اطلاع باشد.

اسپانیا، دامادی که آبروی شاه را برد

دولت‌های منطقه‌ای است. کریستینا هم با مواردی از اتهام‌های مالی مواجه شده بود که پس از طی مراحل بازجویی و تحقیق قضایی در این پرونده ۵۰۰ صفحه‌ای تیرنه شد. در اسپانیا به جز پادشاه، اعضای خانواده سلطنتی از مصونیت قضایی برخوردار نیستند. با این همه مطرح شدن این پرونده، فرصتی

دختران وزیر فرانسوی که او را مجبور به استعفا کردند

ضمن رد این ادعا که اقدامش نادرست بوده گفت نمی‌خواهد این موضوع دولت را تحت تاثیر قرار دهد. او افزود: «من بحث و نظرها درباره اتهامات را دیدم و شنیدم؛ آنچه مرتبط با استخدام و بکارگیری دخترانم در طول سالهای تحصیلشان بوده، قراردادهای رسمی آنها منطبق با خدمات قانونی پارلمانی بوده و به کار حقیقی آنها مرتبط است. آن زمان کار کردن با هم برای من خیلی مهم است و آنها هم در کارشان به نحوه سازنده‌ای عمل کردند. با توجه به فعالیت وقت گذرانی با هم خیلی آسان نیست.»

استخدام اعضای خانواده سیاستمداران پس از رسوایی فرانسوا فیون (نامزد راستگرا در انتخابات ریاست جمهوری در زمینه مشاغل ساختگی برای خانواده اش) به موضوع داغ رسانه‌ها در فرانسه تبدیل شده است

جنجال بر سر استخدام اعضای خانواده وزیر کشور فرانسه را به استعفا از مقامش واداشت. در پی آن متیاس فکل، معاون تجارت خارجی الیزه جانشین او شد. این سیاستمدار ۳۹ ساله همکاری با کارزار انتخاباتی بنوا آمون، نامزد سوسیالیست انتخابات ریاست جمهوری را رها کرد و به وزارت کشور راه می‌یابد. برونو لو رو، وزیر کشور فرانسه با این اتهام روبروست که دو دخترش را در حالی که دانش آموز و دانشجو بوده‌اند در امور پارلمانی به استخدام درآورده است.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته در این زمینه وزیر کشور فرانسه به ازای فعالیت دخترانش بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ طی ۱۴ قرار داد کوتاه مدت مجموعاً ۵۵ هزار یورو به آنها پرداخته است. از این تعداد ده قرارداد مربوط به زمانی است که آنها ۱۵ تا ۱۶ ساله بودند. وزیر کشور فرانسه

رئیس‌جمهوری که دیگر سمبل اخلاق نبود پس خود را کشت

مرگ رومو هیون است و می‌خواهد باند که آیا رئیس‌جمهوری کره جنوبی خودکشی کرده یا خیروی که به اتهام فساد مالی تحت بازجویی و بازپرسی قرار داشت، پیش از خودکشی، در این نامه کوتاه اظهار کرده است که هیچ عمل اشتباهی را مرتکب نشده، اما از مردم کشورش عذرخواهی می‌کند. هیون همچنین در این نامه زندگی خانوادگی‌اش را بسیار سخت و پر از مشکلات بیان کرده و مرگ و حیات را جزوی از طبیعت بشر دانسته است. خودکشی وی باعث بهت و تعجب مردم و مسئولان کره شد و رئیس‌جمهور فعلی نیز مرگ وی را غیرقابل باور عنوان کرده است.

احتمال می‌رود که او به علت فشارهای وارد شده به او به اتهام فساد مالی، دست به خودکشی زده چرا که این فشارها و رسوایی ایجاد شده برای او قابل تحمل نبوده است. رومو هیون که یک فعال حقوق بشر و یک وکیل باسابقه و یک سیاستمدار کله شق و سرسخت بود، در انتخابات دسامبر سال ۲۰۰۲ و با شعارهای اخلاق‌گرای و ضدآمریکایی و با حمایت رأی دهندگان جوان به قدرت رسید. شعار تبلیغاتی معروف او این بود: من تنها رئیس‌جمهور کره جنوبی هستم که به آمریکایی‌ها تعظیم نخواهم کرد. زمانی که به فساد مالی متهم شد به دستور پارلمان در سال ۲۰۰۴ ناچار از سمت خود استعفا داد و سرانجام در سال ۲۰۰۸ رسماً خود را از ریاست جمهوری خلع کرد.

رومو هیون در سال ۲۰۰۸ وقتی برای بازجویی می‌رفت بدون آنکه اتهام خود را تأیید یا تکذیب کند به خبرنگاران گفته بود: «من نمی‌توانم به صورت شگما نگاه کنم چرا که شرمندم. من از اینکه مردم کشورم را ناامید کردم معذرت می‌خواهم.» بیوپورک تایمز در گزارش خود نوشته است که آخرین پست وبلاگ رومو هیون که به روز ۲۲ آوریل مربوط است شکوایتی از او برخوردار بوده که با او شده: شما اکنون از شرم من خلاص شده‌اید. شما کاری کردید که من دیگر سمبل ارزش‌هایی که دنبالش هستید، نیستم. من دیگر شایسته سخن گفتن از چیزهایی مثل دموکراسی، پیشرفت و عدالت نیستم. با اینکه او در همه این سال‌ها اتهامات خود را رد کرده بود اما پلیس تعداد زیادی از بستگان و همکاران او را دستگیر کرده و بازجویان اعتقاد داشتند که او شش میلیون دلار از یک بازرگان و تاجر کفش رشوه گرفته است.

رومو هیون، رئیس‌جمهوری که به مردم کره جنوبی گفته بود پاک‌ترین سیاستمدار این کشور در همه دوران ریاستش بر دولت در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ بوده، پس از سقوط از یک پرتگاه کشته شد اما گمانه‌زنی‌ها نشان می‌داد که او به دلیل فشار سنگین ناشی از متهم شدن به فساد مالی خودکشی کرده است. اتهام فساد مالی برای رئیس‌جمهوری که یکی از بارزترین ویژگی‌های او پاک‌ی مالی و اخلاقی بود آنچنان برای کره‌ای‌ها شگفت‌انگیز و شوکه‌کننده بود که حتی بسیاری از طرفداران او آن را صرفاً یک توطئه سیاسی از سوی رقبا قلمداد کردند، با این همه پس از آنکه بسیاری از نزدیکان، آشنایان و مرتبطان هیون به دلیل دخالت در فساد مالی روانه زندان شدند، نوبت به خود او رسید.

از این رو رئیس‌جمهور اسبق کره جنوبی که در دوران پنج‌ساله زمامداری‌اش بر این کشور توانسته بود روابطی بهتر از اکنون با همسایه شمالی خود برقرار کند، در س‌ام آوریل سال ۲۰۰۸ به مدت ده ساعت به اتهام دریافت شش میلیون دلار رشوه از یک تاجر کره‌ای مورد بازجویی قرار گرفت. گفته می‌شود رومو هیون یک میلیون دلار از این مبلغ را به همسرش و ۵ میلیون دلار دیگر را به همسر یکی از خواهرزاده‌هایش بخشیده است. اخبار در کره جنوبی حاکی از آن بود که این سیاستمدار که‌نگار مرده است، مرگی که نحوه وقوع آن بیابگر این است که طبیعی نبوده و می‌تواند انتخابی تاکتیک برای رئیس‌جمهور سابق برای فرار از فشارهای روحی و روانی ناشی از این رسوایی بوده باشد.

روزنامه نیویورک تایمز درباره نحوه مرگ رئیس‌جمهور اسبق کره نوشت: رومو هیون ۶۲ ساله که به همراه محافظش به کوهنوردی در نزدیک محل زندگی‌اش پس از بازنشستگی رفته بود خود را از صخره‌ای به پایین پرتاب کرد. پلیس کره جنوبی اعلام کرده است که او نامه کوتاهی برای خانواده‌اش برجای گذاشته و در آن ضمن اشاره به اینکه بیگناه بوده و کار خطایی مرتکب نشده از آنها بابت همه چیز عذر خواهی کرده است. رومو هیون پس از سقوط از پرتگاه به بیمارستانی در نزدیکی پوسان منتقل شد اما در آنجا به گفته پزشکان در اثر جراحات وارد شده به جمجمه‌اش در گذشت.

خبرگزاری یونپاگ کره نیز در گزارش خود از این حادثه آورده است: پلیس به دلیل شواهدی مبنی بر وجود یک نامه خودکشی در حال بررسی

«آیا هفته بعد نوبت مجسمه جورج واشنگتن و هفته پس از آن نوبت مجسمه توماس جفرسون است؟ باید یک جایی از خودتان بپرسید که این داستان چه زمانی به پایان می‌رسد؟» درست یک شب پیش از این سخنان ترامپ، مک کالوم، مجری شبکه فاکس نیوز همین موضوع را مطرح کرده و گفته بود: همین بحث‌ها را

در مورد توماس جفرسون و جورج واشنگتن هم می‌توانید مطرح کنید. وی ادامه داده بود: «آیا می‌خواهید نام بنای یادبود واشنگتن را هم تغییر دهید؟» از تباط سخنان ترامپ و نظرات مطرح شده در شبکه خبری فاکس نیوز نشان می‌دهد ترامپ در تلاش است تا ورود عوامل به درون فضای پرنزوای خود را محدود کند تا به این ترتیب موفق شود تأیید و ستایش بیشتری دریافت کند.

او تصور می‌کند هنوز یک تاجر جوان است و می‌تواند با معدودی از روزنامه‌هایی که دستیارانش جمع‌آوری کرده‌اند و در آنها دور اسم ترامپ خط کشیده‌اند، روز خود را شروع کند. دانتونینو می‌گوید ترامپ به وی گفته که هرگز کتابخوان نبوده است و روش مورد علاقه‌اش برای جمع‌آوری اطلاعات آزمودن افرادی است که طی روز ممکن است با آنها ملاقات کند.

عمر ترامپ، همه این افراد به‌واسطه حقوق و دستمزدشان یا به‌خاطر قراردادی که با او منعقد کرده بودند، به وی وابستگی داشتند.

دادگاه عالی پاکستان سال ۲۰۱۶ اعلام کرد پس از آنکه اپوزیسیون تهدید کردند دست به اعتراض می‌زنند، تحقیقاتی را درباره ثروت خانواده نواز شریف به عمل آورد. این تهدید از سوی اپوزیسیون پس از رسوایی افشای «اسناد پاناما» صورت گرفت. دادگاه عالی در آوریل سال جاری میلادی حکم کرد که به دلیل نبود شواهد کافی نمی‌تواند نواز شریف را از سمت نخست‌وزیری کنار بزند اما دستور داد تا هیات تحقیقاتی را در این باره انجام دهد. این تیم مشترک تحقیقاتی در ماه جاری میلادی در گزارش ۲۵۴ صفحه‌ای خود اعلام کرد که دارایی‌های خانواده نواز شریف با درآمد‌هایشان برابری نمی‌کند. این هیات تحقیقاتی همچنین فرزندان نواز شریف من جمله «مریم شریف» دخترش را به مالکیت آپارتمان‌هایی در لندن،

نواز شریف ، نخست‌وزیری که قربانی دخترش شد

وجود دارد. دیوان عالی پاکستان نیز در رأی نهایی خود نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان را به علت فساد مالی در خصوص پرونده پاناما لیکس رد صلاحیت کرد. نواز شریف بعد از رد صلاحیت شدن توسط دادگاه استعفا داد

انگلیس متهم کرد. این تیم متشکل از بازرسان غیر نظامی و نظامی متوجه شدند که یک تناقض آشکار میان درآمد‌های خانواده نواز شریف و نحوه زندگی‌شان در گزارشی که به دادگاه در اوایل ماه جاری میلادی ارائه شده،



آوریل سال جاری میلادی حکم کرد که به دلیل نبود شواهد کافی نمی‌تواند نواز شریف را از سمت نخست‌وزیری کنار بزند اما دستور داد تا هیات تحقیقاتی را در این باره انجام دهد. این تیم مشترک تحقیقاتی در ماه جاری میلادی در گزارش ۲۵۴ صفحه‌ای خود اعلام کرد که دارایی‌های خانواده نواز شریف با درآمد‌هایشان برابری نمی‌کند. این هیات تحقیقاتی همچنین فرزندان نواز شریف من جمله «مریم شریف» دخترش را به مالکیت آپارتمان‌هایی در لندن،

تفاوت آقازاده های هنر و سیاست

در مراسم تجلیل از مجید انتظامی مطرح شد؛

مهم است. او با آتارش استقلال و وجه مستقلی را از موسیقی متن فیلم نشان داد که در زندگی بسیاری از ما حضور دارد. او در ادامه اظهار کرد: این موسیقی در ما نفوذ کرده و همگی با آتار او زندگی کرده و خاطره خوش و آموزه های بسیاری از آنها داریم. من بیش از ۴۰ سال است که با او آشنا هستم و می دانم در چه دوران هایی با چه زحمتهای و گاه کسالت هایی آتارش را با کیفیت خوب عرضه و ماندگار کرده است. در بخش بعدی بخش هایی از مستند «ابوابست» پخش شد.

سپس رضامیرکریمی - کارگردان سینما- با بیان اینکه مجید انتظامی چندوجهی است، گفت: در وجود او که نگاه می کنیم مجید انتظامی را سرشار از تجربه و عمق نگاه می بینیم. او فرد خودخواهی نیست که فقط به خود و کارش فکر کند. میزان تعهد اجتماعی او نسبت به هم صنف هایش زیاد است.

او ادامه داد: من با موسیقی شما خیلی خاطره دارم و خوشحال می شوم این افتخار برای من نیز ثبت شود که از موسیقی شما در فیلم هایم استفاده کنم.

در مراسم تجلیل از سال ها فعالیت مجید انتظامی در عرصه موسیقی فیلم، مطرح شد که «در سیاست، آقازاده های سیاسی خود را به سیاست می چسباند اما آقازاده های هنر به هنر تجلی می بخشند». مراسم تجلیل از مجید انتظامی - آهنگساز و نوازنده ابوا- عصر امروز در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم افرادی مانند لوریس چکناوریان، هوشنگ کامکار، محمد سرپر، مسعود جعفری جوزانی، محمدعلی باشه آهنگر، حسام الدین سراج، پوران درخشنده، جمال شورچه، رضا میرکریمی، گوهر خیراندیش، اکرم محمدی، حبیب اسماعیلی، همایون اسعدیان، محمدحسین مهدویان و کامران ملکی حضور داشتند.

در ابتدای این مراسم پس از بخش ویدئویی که مروری بر فیلم هایی داشت که مجید انتظامی موسیقی آنها را نوشته است، حمید حامی - خواننده- به روی صحنه آمد و قطعه ای را اجرا کرد. در ادامه امیرصادق محمدی سازنده مستند زندگی مجید انتظامی به نام «ابوابست» در سخنانی گفت: پنج سال پیش ایده ساخت این فیلم به ذهن من رسید. مشکلات زیادی سر راهم بود اما بزرگترین آنها این بود که خود استاد نمی خواستند این فیلم



ساخته شوند. ایشان ممانعت زیادی برای این کار انجام دادند. اگر لطف گلنوش انتظامی نبود کار به اینجا نمی رسید.

او سپس رو به مجید انتظامی گفت: استاد ممنون از تواضعتان و اینکه با ممانعتان چیزهای زیادی به من یاد دادید. امروز در این سالن طیف وسیعی از مردم و با اختلاف نظر های زیاد وجود دارند. کارکرد موسیقی شما این است، همه را کنار یکدیگر جمع می کند.

لوریس چکناوریان- آهنگساز و رهبر ارکستر- نیز اظهار کرد: مجید انتظامی نه تنها پسر خوبی است بلکه آهنگساز بزرگی نیز است و به سینمای ایران خدمت زیادی کرده است. او از خانواده بزرگی است و من به او افتخار می کنم. او همچنین مجید انتظامی را به میوه درخت پدرش عزت الله انتظامی - بازیگر پیشکسوت سینما- تشبیه کرد.

سپس محمدعلی باشه آهنگر - کارگردان سینما- بیان کرد: من از زمانی که در دانشکده سینما و تئاتر درس می خواندم و احساس می کردم فیلمنامه نویسی بزرگی هستم موسیقی فیلم های شما به من انگیزه و احساس زلالی شما به من تصویر نو و بدیعی می داد. شما زیر سایه پدر بزرگوار نماندید و شخصیتی مستقل پیدا کردید.

او ادامه داد: بسیاری از مردم نام عوامل یک فیلم را نمی دانند اما ملودی های احساسی شما در ذهن آنها ماندگار است. علاوه بر این در فیلم های کوتاه و مستند بسیاری از آثار شما استفاده شده است و عجیب است که این ملودی های روی آن فیلم ها هم نشسته است.

باشه آهنگر اضافه کرد: شما میوه درخت پدرتان نیستید بلکه درخت تنومندی هستید که ما به شما افتخار می کنیم. محمد سرپر - آهنگساز و رهبر ارکستر- سخنران بعدی مراسم بود که گفت: استاد عزت الله انتظامی سایه بلندی دارند و مشکل است کسی بتواند از زیر سایه او به عنوان فرزند برجسته تر خودش را نشان بدهد. مجید از درون این سایه بلند شد و این بسیار

همه، آقازاده موسیقی نیستند

هرچه سن یادگیری موسیقی کمتر باشد، نتیجه بهتری می دهد و افراد، بهتر ساز می زنند. وقتی بچه ها از کودکی ساز زدن را یاد می گیرند، خیلی سریع تر راه می افتند. این نوازنده گفت: اکنون به دلیل این که فضای اقتصادی در حوزه موسیقی دچار مشکل است، جوانان بیشتر به تدریس رو می آورند، در حالی که نوازنده های بسیار توانا، معلم نبودند؛ اما چون جوانان و فارغ التحصیلان رشته موسیقی راهی برای کسب درآمد از موسیقی ندارند، تدریس می کنند و این گونه هر سلیقه ای به سمت درس دادن می رود. معلمی، کاری سخت است و به حوصله نیاز دارد. پیرنیاکان گفت: این موضوع را باید متولیان فرهنگی در نظر بگیرند. در کشور ما موسیقی همه لیسانس و فوق لیسانس بیرون می دهیم، اما جای کار ندارد.

درباره آقازاده های هنر به هنر تجلی می بخشد. او اظهار کرد: انتظامی سال ها ریاست کانون آهنگسازان سینما را برعهده داشت. بسیاری از فیلمسازان از آثار او الهام گرفتند. کسانی که با او کار کردند می دانند انتظامی چقدر بر نوازندگی موسیقی تأثیر گذاشت. او معتقد است باید نفس نوازنده در اثر حضور داشته باشد تا جان بگیرد؛ کاری که انتظامی کرده است تربیت نوازندگان و حفظ آنهاست. در بخش بعدی حامی قسمتی از سمفونی ایثار به آهنگسازان مجید انتظامی را اجرا کرد و گفت: او ستاره درخشان و فخر موسیقی ایران است. من به همکاری با او افتخار می کنم. همیشه وقتی از سابقه من صحبت می کنند اولین نامی که برده می شود نام استاد انتظامی است. من افتخار می کنم که با ایشان همکاری داشتم. این خواننده با اشاره به درگذشت ناصر فرهودی - صدابردار پیشکسوت موسیقی - اظهار کرد: چند روز از فوت ایشان می گذرد. آقای فرهودی یکی از

جای خالی موضوع «ژن خوب» در سینمای ایران

بانکی می گذرد؛ نظام مالی فاسدی که افراد باهوش می توانند با ایجاد رابطه و سوءاستفاده از شرایط به سود باد آورده ای برسند. فیلمسازان آمریکای جنوبی که سبک خود را در فیلمسازی دارند، نگاه اجتماعی شان به باندهای تبهکار قاچاق مواد مخدر را می توان در فیلمی مانند «شهر خدا» دید. آنها علت فقر و بدبختی شان را در میان درگیری میان کارتل های مواد مخدر و دولت های فاسد جستجو می کنند. در این بین در کشور صاحب سبک سینما است، و بیشترین توجه را به سینمای اجتماعی دارد، با وجود این می بینیم بسیاری از مواردی که جامعه به آن مبتلا است، در فیلم های سینمای ایران کمتر دیده شده یا حتی بایکوت می شود.

ایران رخ می داد، سینمای شان چه واکنشی نسبت به آن داشت! وقتی در سینمای بالیوود، غول آسیایی سینما، پلیس فیلمسازان را تحت فشار قرار می دهد که تصویری مثبت از پلیس را به تصویر بکشند، فیلمسازان هندی در مقابل این فشار مقاومت می کنند. آنها حتی در قالب فیلم های کمدی هم که شده، پلیس رشوه گیر، فاسد و همکار با باندهای تبهکار را به تصویر می کشند. فیلمسازان آمریکایی معتقدند وال استریت پر است از آدم هایی که ثروشان را از راه نامشروع و از طریق رانت به دست آورده اند. آنها در طول سال فیلم های متعددی درباره وال استریت نماد سرمایه داری آمریکایی می سازند. از نظر فیلمسازان و صلاحیت شان در تصدی آن پست ها محل شک و شبهه است. اگر این پدیده اجتماعی در جایی غیر از

با وجود اینکه هر روز خبرهای تازه ای از نفوذ آقازاده ها در دستگاه های اجرایی به میان می آید و «ژن خوب» به عنوان کلیدواژه ای برای تقبیح پدیده آقازاده های رانتخوار به کار می رود، هنوز مردم نمی توانند ردیابی آقازادگی را آن طور که در جامعه با آن روبه رو هستند، در فیلم های سینمایی ببینند. چرا سینمای اجتماعی «ژن خوب» زفته است؟ در عوض اما می بینیم که آقازاده ها توانسته اند در بدنه سینما رسوخ و نفوذ کرده و به دنبال بسط تسلط خود در سینمایی هستند که مدعی مردمی بودن است. زن های خوب، آقازاده های رانتخوار، افرادی که به واسطه روابط فامیلی به پست های اجرایی رسیده اند و صلاحیت شان در تصدی آن پست ها محل شک و شبهه است. اگر این پدیده اجتماعی در جایی غیر از

بحث نفوذ آقازاده ها در دستگاه های اجرایی و بخش مدیریت دولتی، موضوعی است که در چند سال اخیر توجه مردم و رسانه ها به آن زیاد شده است. به خصوص امسال که استفاده از اصطلاح «ژن خوب» به کلیدواژه ای برای تقبیح حضور آقازاده ها و منفعت طلبی های آنها تبدیل شد. اما چقدر آقازادگی در سینمای ایران بروز و ظهور داشته است؟ می شود گفت بسیار کم و حتی انگشت شمار فیلم هایی بوده اند که به نحوی به مبحث آقازاده ها پرداخته اند.



این کارگردان در پاسخ به این سؤال که چرا سینمای ایران نتوانسته به پدیده آقازادگی بپردازد، می گوید: آقازادگی مشکل بزرگ امروز زندگی اجتماعی و سیاسی ما است که وابستگی مبنای کار آن است. داوودنژاد درباره اینکه چه کسانی باعث می شوند سینما نتواند به پدیده آقازادگی بپردازد، پاسخ می دهد: خود همین آقازاده ها در سینما نفوذ کرده اند و مانع این شده اند که ارتباط میان زندگی مردم و سینما برقرار شود و همین باعث شده سینما از جامعه خارج شود.

حتی ارجاع به تصاویر دوربین های مدار بسته از یک حادثه واقعی که برای یک آقازاده رخ داد، برای کسانی که اخبار سیاسی و اجتماعی را دنبال کرده اند، اتفاق ناگواری را یادآور می شود که در آن یک پسر منتسب به خانواده های سرشناس به همراه دختر همراهش کشته می شوند. این فیلم هنوز به دلیل اختلاف هایی که وجود دارد، امکان اکران عمومی پیدا نکرده است. داوودنژاد، کارگردان «فراری» زمان احتمالی اکران فیلم را به بعد از حل اختلاف فعلی موکول می کند.

مصطفی کیایی در فیلم «خط ویژه» یکی از پررنگ ترین پرداخته ها را به آقازادگی در سینمای ایران داشته است. سعید سهیلی نیز در فیلم «گشت ۲» به آقازاده های فاسد پرداخته است. اما چقدر می توان با این تعداد معدود، ادعا کرد که سینمای اجتماعی در ایران توانسته همپای خواسته های مردمی باشد؟ همچنین در فیلم فراری رگ های پرتنگی از پرداخت به آقازادگی را در خود داشت. داستان «فراری» و

عکس نوشت :

ملیکا زارعی در صفحه اینستا گرام خود نوشت: هرود در شرف این مرد زحمتکش که با این کار داره میگیره شور زندگی چیزیی نیست که بشه با پول و موقعیت اجتماعی و یا به قول اون بنده خدا با ژن خوب پیدا کرد. زندگی سلامت به غیرت بیشتر از ژن خوب احتیاج داره

